

کمونیسم کارگری بر بام جهان؟

مینا احدی در باره سازمان اکس مسلم، نفو حجاب کودک در اروپا و...

پاسخ میدهد:

جوآن کمونیست: به نظر میرسد سازمانی که شما شروع اش کردید، سازمانی که حالا به اکس مسلم مشهور شده است، دارد موقعیت بین المللی برجسته ای پیدا میکند. ارزیابی خودتان چیست؟

مینا احدی: این سازمان حرف دل میلیونها نفر را میزند. مردمی که از تعرض و دست اندازی سازمانهای وحشت و ترور اسلامی در قلب اروپا نگران هستند، مردمی که می بینند این سازمانها دهان همه را می بندند و اعتراض و انتقاد و آزادی بیان را حتی در اروپا مورد حمله قرار میدهند. مردمی که در عین حال

صفحه ۳

سینار در دفاع از آزادی بیان و علیه اسلام سیاسی در استکهلم



به دعوت واحد سوئد سازمان اکس مسلم و نهاد امنیتهای استکهلم روز ۱۸ سپتامبر سمیناری در دفاع از آزادی بیان در محل سالن رادیو و تلویزیون سوئد در شهر استکهلم برگزار شد.

صفحه ۵

بیانیه اعلام موجودیت

"علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن"

صفحه ۱۳

وقتی "چه گوارا" به بسیج تو دهنی میزند!

صفحه ۹

حمله به لارس ویلکس و کرنش در مقابل اسلامی ها

جانشین وزیر امور خارجه سابق سوئد، PIERRE SCHORI، در مقاله ای به تاریخ ۲۱ سپتامبر در روزنامه سونسکاداگ بلانت لارس ویلکس هنرمند و کاریکاتوریست سوئدی را مورد نقد قرار داده است. او ضمن اینکه بر پایدی خود بر آزادی بیان اصرار دارد معتقد است که نقاشی های لارس از محمد پیامبر اسلام اهانت آمیز است و این کار تنها می تواند امر مبارزه کسانی

صفحه ۸

نمایشگاه بزرگ کتاب در گوتنبرگ و کنفرانس مطبوعاتی

"غرفه اکس مسلم"

آزادی و برابری



27 سپتامبر اولین روز نمایشگاه بین المللی کتاب در گوتنبرگ برگزار شد.

ما نیز طبق سنت هر ساله غرفه اطلاعاتی خود را با نام آزادی و

برابری که به معرفی سازمان اکس مسلم و کمیته علیه اعدام، اختصاص داده بودیم، آغاز کردیم. غرفه ما با پرچم بزرگی که آرم اکس مسلم در آن تزئین و طراحی شده است و در بالای

صفحه ۶

مبارزه علیه اعدام در ایران را گسترش دهیم

۱۰ اکتبر (روز جهانی علیه اعدام) به میدان آید!

در صفحات دیگر

- نامه مینا احدی به کمیسیون حقوق بشر صفحه ۲
- از میان نامه ها صفحه ۴
- وقتی چه به بسیج تو دهنی میزند صفحه ۹
- گزارشهای روزانه از آلمان صفحه ۱۱
- مسئولین قتل عام تابستان ۶۷ صفحه ۱۵

به لئویز آرپور و رئیس کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا از مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار موضوع اعلام جرم علیه محمد جواد لاریجانی از مقامات جمهوری اسلامی ایران

**اعدام شنیع ترین رفتار با
انسانها در دنیا است . اعدام،
قتل عمد است و باید در سراسر
جهان بر علیه آن و برای نغو آن
مبارزه کرد . سنگسار یک
بربریت آشکار علیه انسان
است. سنگسار یکی از انواع
مجازاتهای شنیع اسلامی است که
در مورد زنان و یا مردانی که
رابطه جنسی خارج از ازدواج
داشته اند اجرا میشود. سنگسار
اعدام توأم با شکنجه و یک عمل
ضد انسانی و وحشیانه است و
در سراسر جهان بعنوان نمونه
بارز توحش و جنایت علیه
بشریت محکوم است . قوانین
قصاص و سنگسار باید به
عنوان قوانین قرون وسطایی و
دوران توحش نغو گردد .**

محمد جواد لاریجانی در یک مصاحبه با خبرگزاری دانشجویان ایران رسماً از سنگسار دفاع کرده و گفته است " خجالت نمی کشیم سنگسار کنیم. او میگوید؛ " برخی فکر میکنند چون غربیها به دلیل سنگسار به ما فحش میدهند، ما خجالت میکشیم که احکام را اجرا کنیم، در صورتی که چنین نیست. اصل فقه شیعه و فقه اهل بیت، فقه خجالت نیست"

این فرد عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران است.

لاریجانی در بخش دیگری از مصاحبه خود میگوید " غربیها میگویند شما طبق تعهدات بین المللی نباید شکنجه کنید و یا مجازات " غیر متناسب" داشته باشید. ما هر دو را قبول داریم ولی به آنها میگوییم سنگسار نه شکنجه است و نه مجازات غیر متناسب، در ایران هم اکنون ۱۲ نفر در خطر اجرای حکم سنگسار هستند و روز گذشته یکشنبه ۳۰ ماه سپتامبر خبر محکومیت یک زن جوان در مشهد به سنگسار، به دست ما رسید. حکومت اسلامی ایران زنان زیادی را به دلیل و یا به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج سنگسار کرده است. در ایران مردان همجنسگرا و تعداد زیادی از مردان را نیز حکومت اسلامی سنگسار کرده است. از جمله جعفر کیانی که در دو ماه قبل در تالستان بجرم رابطه داشتن با یک زن متاهل به نام مکرمه ابراهیمی سنگسار کرد. مکرمه نیز به سنگسار محکوم شده و خطر اجرای حکم بر علیه او بسیار جدی است.

سنگسار وحشیانه و قرون وسطایی است. در قرن بیست و یک، در مقابل این جنایت غیر قابل تصور باید متحدانه و محکم ایستاد و باید سران جمهوری اسلامی ایران بجرم جنایت علیه بشریت، فوراً دستگیر و محاکمه شوند.

محمد جواد لاریجانی که در روز روشن جرات میکند از تکه تکه شدن بدن زنان و مردان بدلیل داشتن رابطه جنسی دفاع کند، باید بعنوان جنایتکار و مجرم فوراً دستگیر و محاکمه شود. این حرفها در رسانه های بین المللی منعکس شده و احتیاج دارد فوراً در مورد آن عکس العمل نشان داده شود.

خانمها و آقایان!

مماشات و صبر نهادهایی بین المللی همچون سازمان ملل و اتحادیه اروپا در مقابل این جنایات وحشیانه و این لگد مال کردن حقوق و حرمت انسانی زنان در ایران، در تاریخ بی سابقه است. اجرای یک سنگسار و قتل انسانها آنهم به این صورت وحشیانه و تکه تکه کردن بدن زنان بدلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج که امری است کاملاً خصوصی باید باعث میشد که دنیا فوراً و بی تأمل عکس العمل نجات دهد. اما نهادهای بین المللی و دولتهای غربی و اتحادیه اروپا و سازمان ملل، کماکان با سران این حکومت جنایتکار، نه به عنوان جانیان و افراد تحت تعقیب، بلکه سران حکومتی نشست و برخاست میکنند.

اکنون که در ایران موج عظیم اعتراض علیه اعدام و سنگسار در جریان است و مردم برای سرنوشتی این حکومت جنایتکار لحظه شماری میکنند. اکنون که در ایران اعتراضات گسترده کارگران و زنان و جوانان عرصه را بر جانیان تنگ کرده است، رفتار توأم با صبر و شکیبایی شما غیر قابل بخشش است. به این سخنان پیشرفته و دفاع از سنگسار توسط محمد جواد لاریجانی فوراً اعتراض کنید. باید سران حکومت اسلامی و جواد لاریجانی بجرم جنایت علیه بشریت فوراً دستگیر و در دادگاههای بین المللی محاکمه شوند! من از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار که یک شبکه گسترده جهانی با عضویت ۲۰۰ نهاد بین المللی است، رسماً از شما درخواست دارم که در مورد اعلام جرم علیه محمد جواد لاریجانی و ترتیب دادن دستگیری و محاکمه او مارا یاری دهید.

با احترام مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار

۱ اکتبر ۲۰۰۷

از صفحه ۱
کمونیسم کارگری بر ...

مماشات دول غربی با جریانات اسلامی را می بینند.

مردمی که از سناریوی سیاه در عراق و مرگ و ترور و بی خاتمانی و فلاکت مردم در عراق قلبشان به درد آمده و از جنگ دو قطب تروریستی یعنی میلیتاریزم دولتی امریکا و متحدین او با اسلام سیاسی نفرت دارند، اینها همگی در

جنبشی که راه افتاده و از انتقاداتی که ما مطرح میکنیم، یک حرف و جریان و نقد دیگری را می بینند. یک راه حل می بینند. ما خوشبختانه امروز نه در جمع های کوچک و چند نفره و یا در سطح محدودی و با یک زبان معین، بلکه توانسته ایم خودمان را در سطح وسیع و رسانه های بین المللی تحمیل کنیم و در ابعادی میلیونی و بین المللی و به چند زبان داریم این انتقادات و این جنبش اعتراضی را مطرح و نمایندگی میکنیم. این یک پیشروی چپ و انساندوستی و یک واقعه مهم در سیاست بین المللی و در فعالیتهای ما بعنوان یک حزب و یک جریان معین است.

جوانان کمونیست: اخیرا اکس مسلم در سوئد بنحو خیره کننده ای مطرح شد که امیدواریم گزارش جداگانه ای داشته باشیم. اما فقط سوئد نیست. این جریان دارد بسرعت در سطح اروپا مطرح میشود. در این باره کمی توضیح دهید.

مینا احدی: ما از هفت ماه پیش سازمان اکس مسلم در آلمان را اعلام کردیم. کنفرانس مطبوعاتی اعلام موجودیت اکس مسلم در آلمان با

حضور ۱۱۳ شبکه خبری و درخانه مطبوعات در پارلمان آلمان بود. سپس در ماه مه ۲۰۰۷ واحد اسکاتلندی اعلام موجودیت کرد که در سوئد و دانمارک و فنلاند و نروژ فعالیت دارد. این واحد تا کنون با فعالیتهای متعددی در این کشورها افکار عمومی را جلب کرده و بویژه در دانمارک موفقیتهای زیادی داشته است. و در روزهای اخیر در دفاع از کاریکاتوربست سوئدی با قدرت

از کنفرانس همه رسانه ها در هلند در این مورد گزارش و خبر پخش میکردند. این کنفرانس در سطح رسانه های بین المللی نیز انعکاس بسیار زیادی داشت. **جوانان کمونیست:** اخیرا همراه با مریم نمازی در اتحادیه اروپا بودید، در رابطه با لغو حجاب کودک. اینهم به مبارزه علیه اسلام سیاسی مربوط است. در باره آن جلسه بگویید، چه اتفاقی افتاد؟

اگر ما نبودیم، این مبارزه یا شکل نمیگرفت و یا در نیمه راه متوقف میشد. ما مشغول یک مبارزه اجتماعی گسترده با جنبش سیاه اسلامی هستیم. اسلام سیاسی با ترور و قتل و سنگسار و اعدام و چشم در آوردن و عملیات انتحاری زنده است. این جنبش ارتجاعی و ضد انسانی، در بین مردم وحشت ایجاد کرده و در اروپا نیز دهانها را می بندد.

به میدان آمده است.

در ماه مه همچنین در هلند یک کمیته اکس مسلم تشکیل شد که در روز ۱۱ سپتامبر این کمیته اعلام موجودیت علنی و رسمی کرد. در انگلیس واحد اکس مسلم بریتانیا در ماه ژوئیه اعلام موجودیت کرد و تا امروز در رسانه های معتبر بین المللی و انگلیسی توانسته است توجه های زیادی را بخود جلب کند. در هلند روز ۱۱ سپتامبر کنفرانس مطبوعاتی برپا شد که در آن واحدهای مختلف اکس مسلم، بیاتیه و یا مانیفستی را که در انگلستان اعلام شده بود، به عنوان مانیفست عمومی اکس مسلم در اروپا پذیرفتند. ما در آنجا مانیفست لاهه را امضا کردیم و سیاست عمومی خودمان را در اروپا اعلام کردیم. در این کنفرانس مطبوعاتی ۷۰ شبکه خبری حضور داشتند و لحظاتی بعد

مینا احدی: ما به دعوت کمیسسیون جدایی مذهب از دولت در سطح اتحادیه اروپا به محل پارلمان دعوت شده بودیم. مسئول این کمیسسیون نماینده پارلمان از هلند است. ایشان از مسئولین و یا فعالین اکس مسلم در اروپا دعوت کرده بود. من و مریم نمازی و خانمی از اکس مسلم هلند در این جلسه بودند. ما در مورد جدایی مذهب از دولت در سطح همه کشورهای اروپایی حرف زدیم. نکته محوری بحث مریم نمازی و من این بود که در اروپا نیز سکولاریسم و جدایی مذهب از دولت کامل نیست و کلیسا و مسیحیت در مقدرات مردم دخالت میکنند. به دلیل باز بودن این پنجره همه مذاهب و از جمله اسلام و اسلام سیاسی سعی دارند، خودشان را وارد کنند. اگر میخواستیم در اروپا

مذهب از دولت جدا باشد و دست اسلام سیاسی نیز بسته شود، باید همه مذاهب را به عقب راند و دست همه مذاهب را از دولت و آموزش و پرورش کوتاه کرد. در این کنفرانس خواستههای ما ممنوعیت تدریس مذهب در مدارس و در عین حال ممنوعیت حجاب کودکان بود. در همین کنفرانس مسئول یک کمیسسیون دیگر از اتحادیه اروپا، اعلام کرد که کمیسسیون آنها مشغول کار متمرکز در مورد اجرای این خواست یعنی ممنوعیت حجاب کودکان است. ناگفته نماند که ما یکسال است در نشست های مختلف و سخنرانیهای متعدد در پارلمان اروپا این خواست را مطرح کرده و برای اجرای آن تقلا میکنیم. این نماینده پارلمان از حزب سبز آلمان گفت که در یک نشست در پارلمان اروپا در روز ۱۱ سپتامبر اکثریت حاضرین به ممنوعیت حجاب کودکان رای داده اند و قرار است بزودی این موضوع و نحوه اجرای این خواست مورد بررسی قرار گیرد.

جوانان کمونیست: حالا قرار است چه بشود، آیا فکر میکنید ما بزودی با لغو حجاب کودک در اروپا روبرو شویم؟

مینا احدی: اگر ما جدی کار کنیم و اگر فشار را روی پارلمان اروپا بیشتر کنیم. بزودی در کشورهای مختلف اروپایی با ممنوعیت قانونی و علنی حجاب کودکان مواجه خواهیم شد. ما این هدف را داریم و با پیچیدگیهای اداری و بوروکراتیک برای اجرای این امر مهم مبارزه خواهیم کرد. من در یک تماس تلفنی،

مذهب و نیروهای ارتجاعی اش از اصلی ترین ارگانهای سرکوب طبقات حاکم است

از صفحه ۳

کمونیسم کارگری بر ...

با پارلمان آلمان شنیدیم که امکان اجرای این امر در آلمان هست و میتوان در سطح استانها شروع به اجرای این خواست بديهی انسانی یعنی ممنوعیت حجاب کودکان کرد. ماسعی خودمان را خواهیم کرد و فکر میکنم تا موفقیت راه زیادی نداریم.

جوانان کمونیست: منصور حکمت اولین کسی بود که پرچم لغو حجاب کودک را بلند کرد کلا این پیشروی ها علیه اسلامی سیاسی فکر میکنید چقدر منصور حکمت و کمونیسم کارگری را مطرح کرده باشد؟ چقدر میشود از نقش جهانی کمونیسم کارگری و حزب ما صحبت کرد؟

مینا احدی: بنظر من این پیشرویهها، پیشروی بشریت و در عین حال پیشروی حزب ما و بلند کردن پرچم انسانیت منصور حکمت است. اگر ما نبودیم، این مبارزه یا شکل نمیگرفت و یا در نیمه راه متوقف میشد. ما مشغول یک مبارزه اجتماعی گسترده با جنبش سیاه اسلامی هستیم. اسلام سیاسی با ترور و قتل و سنگسار و اعدام و چشم در آوردن و عملیات انتحاری زنده است. این جنبش ارتجاعی و ضد انسانی، در بین مردم وحشت ایجاد کرده و در اروپا نیز دهانها را می بندد. ما در عین حال در مبارزه علیه این جنبش ارتجاعی با صفی از چپ هاروبرو هستیم که از فرط "ضد امپریالیست" بودن، به پرچم حزب الله

بوسه میزنند و در کنار حسن نصرالله و احمدی نژاد قرار میگیرند. این کار ما در شرایط پیچیده و در حالی انجام میشود که دست راستی ها و حتی نئو نازیست ها و فاشیست ها ضمن دم تکان دادن در مورد فرمایشات نژاد پرستانه احمدی نژاد، میخواهند از

این خوان یغما، یعنی حضور سازمانهای اسلامی در اروپا و تعرض آنها به حقوق انسانی سود برده و مردم را در اروپا علیه "خارجیها" بسیج کنند. در این میدان واقعی نبرد، باید در چند جبهه جنگید و بسیار مهم است که سیاست درستی نمایندگی شود. مبارزه علیه اسلام سیاسی، مبارزه علیه نو قطب تروریستی و دفاع از انسانیت و حقوق انسانی در سر لوجه همه فعالیتها ما باشد. ما این سیاست را نمایندگی میکنیم. به یمن منصور حکمت و نقد و پاسخ او به معضلات دنیای پس از یازده سپتامبر ما توانسته ایم تا بدین حد پیشروی کنیم. من هر جایی که سخنرانی میکنم و یا فعالیتی از ما در سطح رسانه ها منعکس میشود و یا در جایی مثل استکهلم و یا هلند، خبرنگاران متعددی را می بینم که مشغول تهیه خبر و گزارش از فعالیتها ما هستند، همواره جای منصور حکمت را خالی می بینم. او که روزی به ما گفت اگر در رسانه های جهانی عکس شما را چاپ کردند و برای مصاحبه صف بستند و مجددا مارکس و لنین را به میدان آوردید، تعجب نکنید. و الان با همین درجه از فعالیتها ما این اتفاق افتاده است. وال استریت ژورنال، سی ان ان، اسپیکل و گاردین از ما نقل قول می آورند و ما با این فعالیتها اجتماعی در حقیقت منصور حکمت را به خانه و به قلب میلیونها نفر میبریم.

جوانان کمونیست: چپ های سنتی و شکست طلبان انتقاداتی به اکس مسلم دارند، آخرین خبر از این بی خبران از دنیا چیست؟

مینا احدی: ما کماکان با عملیات ایدایی اینها روبرو هستیم. آخرین مورد کمیک و یا تراژیک این موضوع برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی در روز ۱۰ سپتامبر در

لاهاه توسط این نوع چپ ها در مسجد بود. اینها بهمراه یک آخوند در زیر آیه های قران در یک مسجد علیه اکس مسلم جلسه گرفتند و آنجا گفتند که خودشان هم اکس مسلم هستند ولی نوستن قران و خدا و آخوند و پیغمبراند. این آینده چپ ضد امپریالیست و یا ملی و مذهبی است که فسیل شده و حرفی برای گفتن ندارد. بعضی شان یعنی چپ های وطنی به ما گفتند که اکس مسلم کار امپریالیست است. بعضی شان میگویند نه خیر ما هم اکس مسلم هستیم اما در مسجد و کنار امام جماعت. همان بهتر که این چپ های هپروتی زیر عبای آخوندها و در مسجد قاتم شوند.

جوانان کمونیست: بعنوان آخرین سوال، شما در عین حال دارید کمپین وسیعی علیه اعدام هم به پیش میرید، حزب هم که با تمام قوا برای اعتراض به اعدام و جمهوری اسلامی به میدان آمده است، آخرین خبرها در این مورد چیست و برای خوانندگان ما چه پیامی دارید؟

مینا احدی: ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام است. مسال زیر فشار اعتراضات بین المللی علیه اعدام، سازمان ملل میخواهد با صدور قطعنامه ای از دولتها بخواهد اعدام را در همه جا ممنوع کنند. این یک فرصت مناسب است برای ما که سالهای سال است علیه اعدام مبارزه میکنیم. میتوانیم یکبار دیگر دنیا را متوجه فجایی بکنیم که در ایران در جریان است. ما باید صدای اعتراض مردم ایران به اعدامها در ایران در دنیا منعکس کرده و جمهوری اسلامی ایران را چنان زیر فشار بگذاریم که جرات نکند اعدام کند و باید دولتهای غربی و خود سازمان ملل را چنان تحت فشار بگذاریم که روابط دیپلماتیک اینها با جمهوری اسلامی ایران در اعتراض به

اعدامها قطع شود. ۱۰ اکتبر روز اعتراض بین المللی به اعدامها در ایران و در دنیا است. حزب کمونیست کارگری در چندین کشور دنیا اعلام تظاهرات و فعالیتهای متعدد افشاگرانه کرده است و من از همه مردم دعوت میکنم در ایران و در دنیا بهر طریق ممکن به اعدام اعتراض کرده و خواهان لغو قانون اعدام شوند. از جوانها بویژه میخواهم که در وبلاگها و در مراکز کار و فعالیت و تفریح عمومی علیه اعدام شعار نویسی کرده و نشان دهند که علیه قتل عمد دولتی هستند. سازمان جوانان کمونیست هم خواسته است که در ۱۰ اکتبر کلاس های درس را در اعتراض به اعدام تعطیل کنیم. من هم همه دانشجویان و دانش آموزان و معلمان و استادان را فرا میخوانم که در ۱۰ اکتبر یکصدا اعتراض کرد. همینطور همه مردم ایران و بخصوص خانواده های زندانیان سیاسی، خانواده های زندانیان در معرض اعدام را فرامیخوانم که به خیابان بیایند.

صدور و اجرای احکام مذهبی را با اجتماعات خود، بطور گسترده محکوم کنید!

سمینار در دفاع از آزادی بیان و علیه اسلام سیاسی در استکهلم

از صفحه ۱
کنفرانس آزادی بیان ...



با حضور بیش از ۲۰۰ نفر و چندین روزنامه نگار و دست اندر کاران منیا و همچنین تلویزیون سوئد که سخنرانان را بارها با کف زدن های خود مورد تشویق و حمایت قرار دادند حکایت از استقبال و موفقیت این کنفرانس میکند.

در این سمینار جهره های سرشناسی مانند مینا احدی، لارس ویلکس هنرمند و کاریکاتورست سوئدی که از سوی سازمان تروریستی القاعده تهدید به مرگ شده، دیلسا دمیرباگستن امانیت و منقد معروف، آرنه روت روزنامه نگار و مسئول کمیته سلمان رشدی در سوئد و سردبیر قبلی روزنامه Dagens Nyheter، اینگوار اوهمان اکوند مسئول امانیت ها در سوئد و مهین علیپور، کریم شامحمدی، مهنار ماسوری و افسانه وحدت از شورای مرکزی اکس مسلم در سوئد سخنرانی کرده و به سوالات حاضرین پاسخ دادند.

مجری سمینار نیما دریامج ژورنالیست و ستون نویس روزنامه "اقتون بلاغت" بود. افسانه وحدت، با سخنرانی کوتاهی به معرفی سمینار پرداخت. بدنیا آن نه نفر از اعضای پانل به سخنرانی در مورد و موضوع کنفرانس "آزادی بیان" پرداختند.

لارس ویلکس تصاویری را که موجب صدور فتوای قتلش توسط اسلامی ها شده است را به مردم نشان داد و گفت: امروز من در یک سمینار در استکهلم راجع به دفاع از آزادی بیان شرکت میکنم. این سمینار توسط سازمان "اکس مسلم" ترتیب داده شده است. این سمینار بسیار آموزنده بود. در اروپا و آمریکا ممنوعیتی برای شوخی با مسیحیت نیست و من از کشیدن این تصاویر پشیمان نیستم و عقب

آزادی بیان و دخالت فعال مردم در دفاع از لارس ویلکس صحبت کرد و دولتهای غربی را بخاطر سازش با جریانهای اسلامی و رسانه ها را بخاطر سکوت در مقابل جنایات آنها مورد انتقاد قرار داد.

مهنار ماسوری گفت بعنوان زنی که از زندگی تحت حکومت اسلامی به خارج آمده ام، فتوادهندگان علیه لارس ویلکس را با گوشت و پوست میشناسم. اینها با مردم عادی که به اسلام معتقدند فرق دارند اینها همان نیروی سیاه اسلام سیاسی اند و از همگان دعوت میکنم که علیه دخالت سازمانهای اسلامی در زندگی و مقدرات مردم مبارزه کنند.

دلسا دمرباخ در مورد سنگسار کردن، قتلهای ناموسی در جوامع اسلامی حرف زد و گفت، عده ای میگویند این مسائل ربطی به اسلام ندارد و اینها ترجمه غلط از قران است. و من میگویم که سرنوشت ما به دست ترجمه های جور به جور نمیدهم.

آرنه روت رو به همکاران خبرنگارش گفت اکس مسلم در کنفرانس مطبوعاتی در ماه می خطر اسلام سیاسی و دخالتش را به مردم داد. شما خبرنگاران کجا بودید. الان ببید که حقیقت دارد. و ادامه داد ولی هنوز هم جدیش نمیگیرید.

حضور مینا احدی و لارس ویلکس وضعیت ویژه ای به سمینار داده بود و درجه بالائی از تدارکات ویژه امنیتی بدلیل تهدیدات سازمانهای اسلامی تدارک دیده شده بود. سمینار علیرغم اینکه برخی رسانه ها

اظهار کرد که از طرف میلیونها نفر از مردم ایران اعلام میکنم که در دفاع از آزادی بیان و عقیده در کنار لارس ویلکس هستیم و فتوای قتلش را شدیداً محکوم میکنیم. او اضافه کرد که میلیونها نفر از سکولارها و مردم آزادیخواه در خاور میانه و در سراسر دنیا اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را محکوم میکنند و خود را



در کنار لارس میبیند. مهین علیپور اسلام سیاسی و تروریسم دولتی آمریکا را بعنوان دو قطب تروریسم بین المللی که ناامنی و ترور را بر دنیا حاکم کرده اند و به هم نیرو میدهند و موجب تقویت یکدیگر میشوند، محکوم کرد و بر ضرورت مقابله با این دو نیرو تاکید کرد.

او همچنین به جریاناتی که حقوق مردم را بر اساس دین و فرهنگ بسته بندی میکنند شدیداً حمله کرد و بندهائی از پلاتنوم سازمان اکس مسلم را بطور فشرده بیان کرد.

افسانه وحدت از ضرورت دفاع از

نمیشینم چون معتقدم باید آزاد باشم که نظرات و عقاید خود را بیان کنم. سایت شخصی من روزانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ مراجعه کننده داشت و بدنیا این ماجرا روزانه ۱۰۰۰۰ نفر بازدید کننده دارد. سنگسار انسانها بنظر غریبها یک امر دینی است. من حتی امروز در دبتی در یک رادیو نروژی شرکت کردم.

جالب است که در نروژ یک قانون راجع به "کفر" وجود دارد. این قانون استفاده نمیشود ولی عده ای از مسلمانان نروژی میخواهند که این قانون مورد استفاده قرار گیرد. این مسئله الان بطور جدی در کشور همسایه مان بحث میشود.

آرنه روت گفت من در سوئد زندگی میکنم اما شدیداً ناراحت میشوم اگر کسی مرا مسیحی بنامد. مردمی که از کشورهای دیگر آمده اند هم حق دارند شدیداً عصبانی شوند اگر کسی به عنوان مسلمان به آنها نگاه کند.

مینا احدی در طی سخنرانی اش

نمایشگاه بزرگ کتاب در گوتنبرگ و کنفرانس مطبوعاتی "غرفه اکس مسلم" - آزادی و برابری

آن با تیتیر درشت و به لاتین اکس مسلم نقش بسته است، چشمها را از دور متوجه خود میکند! در کنار این آرم در یک طرف عکسهای کاریکاتور محمد توجه را به خود جلب و در طرف دیگر عکسهایی از بی حقوقی زنان و سرکوب و شکنجه و اعدام دیوارهای غرفه ما را پر کرده است که حتی از فواصل دور نظرها را به خود جلب مینماید. در میزهای اطلاعاتی و کتاب ما بروشورها

تعداد بسیار زیادی از بازدید کنندگان قرار گرفت که از کشور سوئد و دیگر کشورها از نمایشگاه بزرگ کتاب در گوتنبرگ دیدن میکنند. در کنار میزهای اطلاعاتی و نمایشگاه جنایات و سرکوب جمهوری وحشی اسلامی فعالین اکس مسلم و علیه اعدام به گرمی از بازدیدکنندگان استقبال میکنند و ضمن بحث و گفتگو به سوالات و نظرات آنها پاسخ میدهند. واکنش عمومی بازدیدکنندگان مثبت و تحسین آمیز



علیرغم حضورشان در سمینار دست به سانسور آن زند با اینهمه انعکاس وسیعی در رسانه های بین المللی و سوئدی داشت. ۴۹ نفر خبرنگار از تعدادی از خبرگزاری های بین المللی از جمله رویترز، ت ت خبرگزاری رسمی سوئد، شبکه تلویزیون سراسری سوئد و تلویزیون کانال ۴، مخبرین رادیو سراسری و روزنامه ها حضور داشتند. ساعات اولیه سمینار به بخشی از اخبار سراسری سوئد تبدیل شد. قبل از برگزاری سمینار نیز آگهی آن در برخی رسانه ها منعکس شده بود. تعدادی از یک گروه اسلامی اجازه ورود به سالن گرفتند و دست به انجام مراسم مذهبی زدند. به مسئول آنها اجازه داده شد که پشت تریبون قرار گیرد و صحبت کند و او پس از موعظه هایش لارس ویلکس را با جمله ای عربی مورد تهدید قرار داد. "بگذارید سرنوشت وی درس عبرتی برای دیگران شود" معنی آیه ای شیطانی بود که پیمان بخشایش برای حاضرین ترجمه کرد. این تهدید با اعتراض شدید حاضرین مواجه شد و اسلامی ها مجبور به ترک سالن سمینار شدند. سمینار ۱۸ سپتامبر در استکهلم موفقیتی برای مدافعین آزادی بیان، برای سکولاریستها و مخالفین دخالت مذهب در زندگی مردم و موفقیت چشمگیری برای سازمان اکس مسلم بود. سازمان اکس مسلم با این سمینار در جامعه سوئد به یک سازمان کاملا شناخته شده، بعنوان سازمانی که از حقوق و آزادی های مننی حمایت میکند و با قاطعیت در مقابل دست اندازی جریانات اسلامی به زندگی مردم ایستاده است، تبدیل شد. سازمان اکس مسلم اعلام میکند که فعالیت های خود را علیه تهدیدات جریانات اسلامی، و علیه دخالت هر نوع مذهب در دولت و زندگی مردم گسترش میدهد و همه مردم سکولار، سوسیالیست ها و آزادیخواهان را به حمایت از مطالبات خود فرامیخواند.

است و شجاعت ما فعالین و سازمان اکس مسلم را غرور آمیز ارزیابی میکردند و با خوشحالی و گشاده رویی از ادبیات و بروشورهای اطلاعاتی ما استقبال و پتیشن ما را امضا میکنند! از جمله بازدیدکنندگان از غرفه ما کاریکاتور پست معروف دانمارک فلمینگ رز، طراح کاریکاتورهای

، اطلاعاتی ها، نوشته ها و کتابهایی در معرفی سازمان اکس مسلم و کمیته علیه اعدام و در نقد اسلام سیاسی، همراه با پتیشن علیه اعدام و معرفی کمپین ۱۰ اکتبر علیه اعدام قرار دارند! غرفه ما از همان ساعات اولیه افتتاح مورد استقبال

شورای مرکزی سازمان اکس مسلم سوئد

۲۰ سپتامبر ۲۰۰۷

معروف و جنجال برانگیز محمد بود که ضمن حمایت و تحسین از نمایشگاه ما با فعالین اکس مسلم و در کنار غرفه ما عکس گرفت. همچنین نویسندگان سرشناس و نمایندگان پارلمانی احزاب مختلف مُدرات، مردم، سبزا، و ... و کرده و از ما پشتیبانی میکردند. در روز دوم علاوه بر مسائل جاری مینا احدی از سازماندهندگان سازمان اکس مسلم در آلمان و از بنیانگزاران کمیته علیه اعدام و سگسار و کریم شاهمحمدی و افسانه وحدت سخنگویان سازمان در فعالین فرهنگی و اجتماعی با مینا احدی دیدار کردند. این کنفرانس ۲ ساعت ادامه داشت و مباحثات متعددی در مورد سازش دولتهای غربی با سازمانهای اسلامی و راه مقابله با جریانهای اسلامی



و مقابله با ترور و قتلای این جریانهای مورد بررسی قرار گرفت. بحث و افشاکاری علیه مجازات اعدام و اعدام کودکان و نوجوانان در ایران یکی از تمهای بحث بود و چند هزار نفر قطعنامه علیه اعدام در ایران و جهان و قطعنامه در دفاع از آزادی بیان را امضا کردند. حضور فعال و چشمگیر فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، فعالین علیه اعدام و همچنین اعضای سازمان ما از مذهب رویگردانیم "اکس مسلم" در غرفه آزادی برابری در شهر گوتنبرگ سوئد، امکان داد که افشای اسلام سیاسی و دست اندازی این جنبش سیاه به جان و امنیت مردم در کشورهای مختلف در اروپا و در نزد مردم ابعاد وسیع و عمیق تری بخود بگیرد.

سوئد و اسکاندیناوی در جمع ما حضور داشتند که در ساعت ده و نیم صبح، و دو و نیم بعد از ظهر در سمینار و کنفرانس مطبوعاتی که از قبل برنامه ریزی شده بود شرکت کردند که در هر دو مورد با استقبال گرم شرکت کنندگان و خبرنگاران قرار گرفتند و به سئولات شنوندگان و خبرنگاران پاسخ دادند و به بحث و گفتگو با آنها پرداختند! مینا احدی در این سمینار و کنفرانس مطبوعاتی به معرفی سازمان پرداخت و مردم را به پیوستن به سازمان فراخوان داد و از مردم خواست که مرعوب سازمانهای تروریستی اسلامی نشوند و در مقابل آنها بایستند و دولتهای اروپایی از مامشات با سازمانهای اسلامی و جمهوری اسلامی دست بردارند. تعدادی از نویسندگان، نمایندگان مجلس و

چپ و همچنین امنیستهای سوئد به غرفه ما آمده و حمایت و پشتیبانی خود را اعلام کرده و پتیشن ما را امضا، و تلاش های ما در مقابله با اسلام سیاسی را تحسین و از جسارت و انساندوستی ما احساس غرور میکردند. در این میان تا کتون چند دختر محببه نیز که میگفتند از کشور ترکیه هستند، باگردانندگان غرفه در مورد اکس مسلم و جنایات اسلام سیاسی به بحث و جدل پرداختند و با اشاره به عکسهایی از اعدام جوانان در ملاء عام، مدعی بودند که با این اعدام ها و تصاویر نمیتوان چهره اسلام را خراب کرد. بحث "حجاب کودک" و فضای ناآرام جلوی غرفه توجه بیشتر عابری را به اکس مسلم جلب نمود. که با اشتیاق بحثهای ما را میشنیدند و از منطق و استدلال ما احساس قدرت



گزارشگر:
حسن پناهی
گوتنبرگ/
سوئد

قوانین و مقررات اسلام هیچ مطابقتی با حقوق و ارزشهای انسانی ندارد

از صفحه ۱

حمله به لارس ویلکس ...



حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

که برای آزادی عقیده و بیان در کشورهای عربی و اسلام زده مبارزه می کنند را دشوارتر سازد. جانشین وزیر امور خارجه سابق سوئد البته استدلال زیادی نمی آورد و فقط می نویسد:

" همانطور که جنگ بر علیه عراق و اعمال تحریم بر دولت منتخب مردم حماس در فلسطین از سوی جهان غرب کار فرم میسرها را در کشورهای عربی و اسلام زده دشوار ساخت، نقاشی های لارس ویلکس نیز همین کار را می کند!"

از نظر هر انسان آزادیخواهی مقایسه کار لارس ویلکس با بمب انداختن بر سر مردم عراق و گروگرفتن دارو و غذای میلیونها انسان به بهانه جنگ با صدام، بی انصافی زیادی میخورد. اگر چه دولت متبوع پی بر شوری هیچوقت حاضر نشد بمب زدن به مردم و تحریم اقتصادی آنها را محکوم کند.

اما لارس ویلکس نه بمبی بر سر و کاشانه کسی ریخته است و نه شیر کوچک معصومی را از دهان او گرفته است! او فقط با دست و قلم خود تصویری رسم کرده است. تصویری با هدف به محک گذاشتن مرزهای آزادی بیان و عقیده! آیا من حق دارم با آنچه که مقدسات عده ای قلمداد می شود شوخی کنم؟ آیا من می توانم به مقدسات کسی انتقاد کنم و یا آنها را مورد طنز قرار دهم؟ و یا بر

عکس، این به اصطلاح مقدساتی نظیر مذهب و میهن و غیره است که قرار است آزادی بیان من را محدود کند؟ آیا تحریکات و تهدیدات مذهبی بر علیه بیان آزادانه نظرات افراد پاسخ شایسته خود را خواهد گرفت؟ فکر کنم که لارس ویلکس از یک نظر پاسخ خود را گرفته است! با تمجیدی که "پی بر شوری" از عملکرد نخست وزیر سوئد در برخورد به این نقاشی و پیامدهای آن می کند، پایبندی واقعی الیت سیاسی حاکم بر سوئد روشن می شود. دولت سوئد حتی حاضر نشد قاطعانه فرمان قتل لارس ویلکس را محکوم کند، و در نهایت مقابل اسلامی ها به کرنش افتاد و خواهان خویشتنداری شد! حالا نیز دارند گناه این را به گردن لارس می اندازند! چرا که به اعتقاد آقای پیر شوری کار مدافعین آزادی را در کشورهای عربی و اسلام زده دشوار تر کرده است!

باید از پیر شوری پرسید که شما و دولت متبوعتان کجا و در کدام مقطع در کنار مبارزه برای رفم و و یا تغییری به نفع سکولاریسم در کشورهای اسلام زده بوده اید؟ زمانی که جمهوری اسلامی دهها هزار نفر از مخالفین حکومت مذهبی را تیرباران کرد دولت شما مشغول فروش اسلحه به آن بود. زمانی که با تیغ کشیدن به صورت زنان حجاب سر آنها کرد و هزاران نفرشان را به شلاق کشید موضع دولت شما چه بود؟ در مقابل سر کار آوردن طالبانها توسط دولت آمریکا الیت حاکم بر سوئد کجا ایستاد؟ مگر غیر از این بود که دولت سوئد با دعوت از متکی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی درست در شرایطی که صدای اعتراض مردم علیه این رژیم بلند است، به این مبارزات دهن کجی کرد

و در کنار جمهوری اسلامی ایستاد؟ شما چگونه سنگ حمایت از مبارزات آزادیخواهان در کشورهای اسلام زده را به سینه می زنید در شرایطی که دولت مورد تمجیبتان لام تا کام در مورد موج اعدامهای وحشیانه اخیر در ایران سکوت اختیار کرده است؟

با اینهمه آقای پی بر شوری اصرار دارد که نقاشی های لارس ویلکس بهانه به دست اسلامی ها داده است تا شرایط سختتری را به مبارزه آزادیخواهان در کشورهای اسلام زده تحمیل کنند!

آقای پیر شوری یا از تاریخ سه دهه اخیر اسلام سیاسی مطلع نیست و بدون اطلاع اظهار نظر میکند و یا میداند که آنوقت گناه ایشان بیشتر است. جمهوری اسلامی صد هزار نفر را اعدام کرد آیا آقای پیر شوری معتقد است که کسان دیگری مقصر بوده اند و بهانه به دست این رژیم داده اند؟ جمهوری اسلامی نه تنها سکولارها را قلع و قمع کرد بلکه هرگونه نشانه ای از غیراسلامی بودن را به خاک و خون کشید. اینها حتی به همپالگی های خود رحم نمی کنند! اسلام سیاسی نه موقعی که مشغول کشتارهای جمعی در ایران بود نه موقعی که مشغول جنایت در افغانستان بود، نه در مصر و نه هیچ جای دیگر دنیا احتیاج به بهانه نداشت. خشونت، تروریسم و ضدیت با منافع انسان جزیی از هویت این جریان مرتجع است.

به نظر من کار لارس ویلکس میزان پای بندی آقای پیر شوری و دولت سوئد به آزادی بیان را هم محک زد! اظهارات اخیر پی بر شوری و موضع دولت سوئد در قبال نقاشی محمد البته مایه تعجب نیست. این ادامه همان سیاستی است که به دفعات

در مقابل اسلامی ها کوتاه آمده است. به آنها امتیاز داده است. دست آنها را برای محدود کردن حقوق کودکان و زنان در خانواده های اسلام زده باز گذاشته است. و در سطح بین المللی نیز مرتبا مشغول حمایت و لانسسه کردن دولتهای اسلامی و مرتجع بوده است!

لارس ویلکس اما با نقاشی های خود فقط مسئله آزادی بیان را به محک نگذاشت. او شرایط بی حقوقی زنان، کودکان و همه مردم در کشورهای اسلام زده را زیر نور افکن گذاشت. او با این کار یکبار دیگر ذهن جهاتیان را متوجه ارتجاع اسلام سیاسی کرد که از قضا بر متن سیاستهای ارتجاعی دولت آمریکا و دولتهای غربی زمینه و ضرورت وجودی پیدا کرده است. او لطمه ای به مبارزات آزادیخواهان مردمی که برای خلاص شدن از ستم و سرکوب مذهبی مبارزه می کنند، وارد نکرد. او در کنار این مردم قرار گرفت و به همان اندازه با حمایت و سمپاتی گرم این مردم روبرو شده است.

به سازمان اکس مسلم کمک مالی کنید

Spendenkonto des ZDE

Post bank Dortmund

BLZ: 44010046

Kontonummer :

995 756 463

IBAN: DE12 4401

0046 0995 7564 63

BIK : PBNK DEFF

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه

نشست مشترک بسیج و سپاه با فرزندان چه گوارا

وقتی چه گوارا به بسیج تو دهنی می زند!

دانشگاه تهران، دانشکده ی فنی- 3 مهر 1386. سومین روز از چهار روز برنامه بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران با عنوان " چه مثل چمران "!

سناریوی چند قسمتی دعوت از چهره های چپ شناخته شده ی دنیا به تهران و سپس اهدای چفیه به همراه ماچ و بوس و دست فشردن با بسیج و سپاه چندی است که در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. این بار فرزندان ارنستو چه گوارا به دعوت بسیج به ایران آمده اند. کامیلو گوارا (پسر ارنستو) و آلیدا گوارا (دختر او).

" چه مثل چمران" قرار است ایهام داشته باشد. هم حرف "چ" به کار ساختن دو کلمه ی "چه گوارا" و "چمران" می آید و هم "چه" -چه گوارا- مثل " چمران " است! بگنیم از کارنامه ی کاری چمران و داستان های مربوط به آن.

کل سناریو عبارت است از: 4 روز پخش فیلم از آمریکای لاتین و کوبا و در سومین روز برنامه ی سخنرانی فرزندان چه گوارا و مهندس مهدی چمران (برادر دکتر چمران) و مهندس (!) حاج سعید قاسمی.

قرار است " چه گوارا " مثل چمران باشد! و نه برعکس (که حتی بر عکس آن هم مضحک است!)

کتابچه ای که اول برنامه به دست می دهند سراسر پر است از مقالاتی که بدجوری سعی دارد نهضت اسلامی ایران، نهضت مستضعفان، حزب الله لبنان، رادیکالیسم اسلامی و همه و همه را همپایه و در راستای جریان کمونیستی-چریکی چه گوارا

بداند. و حتی چه گوارا را تقلیل دهد به اصطلاح - عدالت طلبی مذهبی. و چه مقاله ها که سعی شده نقش مذهب و عرفان را در آمریکای لاتین و شخص چه گوارا کشف و سپس برجسته کند!

برنامه ساعت 3 شروع می شود. از قبل لاف 60 درصد ظرفیت سالن را بسیجیها (ی دانشجوی؟) پر کرده اند و نفر آنها در پشت سر من صحبت می کنند. (آماده باش اگر درگیری پیش اومد حالتون رو بگیریم).

بسیجیها دورتادور سالن تصاویر بزرگ مبارزان مختلفی را در کنار رهبران رادیکالیست اسلامی در دست گرفته اند- خمینی، سید حسن نصراله، چه گوارا، رهبران حماس و.....!

سخنران اول مهندس حاج سعید قاسمی است.

مجری بسیجی گاف می دهد در معرفی او:

"ایشان سابقه ی حضور در لبنان، فلسطین، جنگ ایران-عراق، بوسنی هرزگوین را دارد و البته ناظر(!) اتفاقات امروز در عراق!" حالا می شد اصلا به این شکل لو ندهند حضور خودشان را در عراق.

"ایشان یک چریک انقلابی و یک مبارز بین المللی هستند."

حاج سعید از تمامی امکانات تاتری برای جلب نظر شنوندگان استفاده می کند از پوز خند های بی جا و بغض و سکوت و.... حاج سعید تلاش می کند "چه گوارا" را در " مقطع زمانی خودش " قابل احترام جلوه بدهد و "

اگر امروز مرحوم "چه" ! زنده بود حتما در لبنان و در کنار حزب الله بود!"

حاج سعید از اعتقادات مذهبی و ایمان به خدا و مسیح در " چه گوارا" پرده بر میدارد. و در حالی که صفحاتی کاملا بی ربط به این موضوع را از مقالات چه می خواند بغض می کند! او می گوید در جنگ ایران و عراق تو ابرقدرت شرق و غرب، هم کمونیسم منحط و هم امپریالیسم خونخوار آمریکا در مقابل " حضرت روح اله " ایستاندن چون" انقلاب حضرت روح الله انفجار نور بود!"

او می گوید اگر این جنگ نبود حتما شما ها - یعنی فرزندان چه گوارا- زودتر به ایران می آمدید. "می دانم قلبان برای آمدن به ایران می تپیده، حالا ما در کنار هم هستیم تا تاکتیک هایمان را یکی کنیم". می گوید " امروزه کمونیسم همانطور که حضرت روح الله پیش بینی کرد به زیاده دان تاریخ پیوسته است و تنها راه نجات جهان، نهضت عدالت جویانه ی دینی و توحیدی است."

حاج سعید تمام تلاش خود را برای لجن مال کردن ایده های کونیستی " چه گوارا" به کار می برد او حتا به کامیلو (پسر چه) رو میکند و می گوید " شما پسر برومند مرحوم چه هم از لحاظ ظاهری و قیافه شایسته هستید و از آن مهمتر هم اکنون تجربه ی درخشان مسلمانان مبارز را پیش رو دارید پس از شما دعوت می کنم به صف ما بیونید و مانند پدرتان وارد صحنه ی مبارزه ی واقعی شوید!"

حاج سعید بارها اشاره می کند نه مردم کوبا نه فیدل و نه چه گوارا هیچ کدام سوسیالیست و کمونیست نبوده اند و این را بارها فیدل اذعان کرده است. او از تنفر فیدل و چه گوارا و مردم کوبا از شوروی سوسیالیستی به خاطر همه ی

عملکرد هایش صحبت می کند. حاج سعید جابجا فرزندان چه را خواهر آلیدا! و برادر کامیلو! خطاب می کند. او در پایان بسیار راضی از سناریویی که نوشته و قرائت کرده از صحنه پائین می آید و در ردیف اول می نشیند.

بعد از حاج سعید، مهندس مهدی چمران صحبت میکند. مهدی چمران دو دوره است که رئیس شورای شهر تهران است. در دور اول احمدی نژاد با کمک فشارهای همو به شهرداری تهران گماشته شد و همین مهدی چمران و حمایت های بی دریغ اش از احمدی نژاد در مقام شهردار تهران و بعد ها تا نامزدی ریاست جمهوری و سپس ریاست جمهوری احمدی نژاد ادامه یافت تا اینکه پس از به قدرت رسیدن احمدی نژاد همیشه در کنار او حضور داشت.

مهدی چمران رفیق گرمابه و گلستان احمدی نژاد است. حالا مهندس مهدی چمران از برادرش " دکتر مصطفی چمران" و در مورد شخصیت و زندگی او صحبت میکند.

از نبوغ او در علم فیزیک و مبارزات او و اینکه می توانست در آمریکا بماند و تدریس کند ولی مبارزه را انتخاب کرد. او لبنان را پلیگاهی کرد برای مبارزه با رژیم شاه و مبارزه با اسرائیل.

مهدی از دست نوشته های مصطفی چمران می خواند و آنقدر حرف می زند که بسیج دانشجویی سه بار با گذاشتن برگه جلوی او اخطار می دهد که وقتش تمام شده است. مهدی چمران اشاره ای به چه گوارا نمی کند.

سپس نوبت به فرزندان " چه گوارا" میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل

میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل

میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل

میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل

میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل

میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل

میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل

میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل

میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل

میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل

میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل

مواضع شیطانی و سراسر تحریف آمیز حاج سعید و دیگران چگونه موضع گیری می کنند.

از فرزندان چه گوارا، دخترش (آلیدا گوارا) صحبت می کند.

اولین جمله ی آلیدا آب پاکی روی دست تمام حضرات می ریزد. آنجا که برنامه با قران آغاز میشود و از مجری و حاج سعید و هر نقل قول از "حضرت امام" با نام خدا و آیات و احادیث به زبان عربی است، هر صحبتی و آوردن نام خمینی با صلوات همراه می گردد و از قران و اسلام و حتی مذهبی بودن چه گوارا صحبت می شود. آلیدا اینگونه آغاز می کند:

"به نام مردم کوبا سلام!"

"ما ملتئ سوسیالیست هستیم" تمام نقشه های حاج سعید و بسیج و سپاه و جمهوری اسلامی برای بهره برداری از این برنامه نقش بر آب می شود. آلیدا در طول صحبت های حاج سعید وقتی که مترجم برای او ترجمه می کرد به حالت اعتراض و عصبانیت و نفی، سرش را تکان می داد. اکنون با همین دو جمله ی اول آلیدا حاج سعید و دیگران سر به زیر انداختند. آلیدا می گوید "ما ممکن است اهداف مشترکی با هم بیابیم، اگر چه تفاوت فرهنگی داشته باشیم" او می گوید "ملت کوبا با اندیشه های سوسیالیستی آنبیده شده ما در کنار مردم آنگولا جنگیدیم. یک میلیون کوبائی در آنجا جنگیدند" او می گوید "مردم کوبا همواره از کمک های شوروی قدردانی می کنند و این مساله ای که در مورد اختلاف گفته میشود هیچ گاه به این شکل وجود نداشته است"

آلیدا سرش را به طرف حاج سعید بر می گرداند می گوید "لطفا همیشه سعی کنید اندیشه های چه را از روی کتاب های اصلی پیدا کنید و مطالعه کنید". اشاره ی او به کتابی است که

حاج سعید از روی آن روخوانی کرد و از آن کشف کرده که چه گوارا مذهبی بوده و به خدا و مسیح اعتقاد داشته. آلیدا می گوید "اگر واقعا آن مطالبی که شما خواندید از کتابی به قلم پدرم ار نستو چه گوارا است پس مطمئنا ترجمه ی آن اشتباه است!" آلیدا می گوید "پدر من هرگز از خدا صحبت نکرد! او هیچ گاه با خدا ملاقات نکرد!"

تعدادی از دانشجویان با گفتن این جمله توسط آلیدا کف می زدند بسیجی ها سر بر می گردانند که این تعداد را شناسایی کنند احتمال ایجاد تشنج در جلسه می رود. حالا سکوت برقرار شده.

نفس ها در سینه حبس شده است! حاج سعید دیگر کامل خم شده روی زانو هایش و سرش کاملا پائین است. مهدی چمران که حیثیت سیاسی اش برای شرکت در اینچنین جلسه ای - که قرار نبود به اینجا ها کشیده شود - زیر سؤال رفته است آماده است تا در لحظه ای مناسب از پشت میز مشترکی که روی صحنه قرار دارد و با فرزندان چه گوارا پشت آن نشسته اند، برخیزد. عصبی شده است.

آلیدا اضافه می کند: "پدر من می دانست حقیقت مطلق در کار نیست، کدام حقیقت مطلق؟ او اطمینان داشت ذهن انسان بر اساس تجربه می تواند ظرفیت آموختن بی نهایت داشته باشد"

سپس از زندگی چه گوارا می گوید. از سفر هایش در جوانی. "وقتی که یک شب با یک زوج سرخ پوست کمونیست گفتگو می کند آنجاست که می فهمد او نیز یک کمونیست است پس پدر من مطمئنا کمونیست بود."

از مکزیکی و آشنایی "چه" با فیدل می گوید و از اینکه آنجا چه گوارا زندانی می شود و هنگامی که همه آزاد می شوند به جز چه گوارا. "می

دانید چرا پدر من آزاد نشد؟ میدانید چرا؟ "سکوت کامل برقرار میشود. پاسخی از کسی بر نمیخیزد." من به شما میگویم چرا: چون او صراحتاً گفته بود من کمونیست هستم و فیدل آنقدر آنجا ماند تا چه گوارا آزاد شود و از آنجا ارتباط عمیق آنها شکل گرفت"

در آنجا در مکزیکی فیدل کاسترو بی شک یک مارکسیست-لنینیست بود و چه گوارا هم مارکسیست لنینیسم را پذیرفته بود. "شما از کدام خدا و پیغمبر حرف می زنید؟ چه گوارا فقط یک پیامبر را ملاقات کرد و قبول داشت و آن هم فیدل بود!"

در اینجای سخنان آلیدا مطمئنم که تمام برنامه های بعدی این جلسه از جمله پرسش و پاسخ او لغو شدند. چون سخنان آلیدا صریح، قاطع و خدشه ناپذیر بود و تمام خیمه شب بازی بسیج و سپاه را به درست و به سختی برهم زد.

آلیدا می گفت "دوست دارم رودرو با زنان ایران حرف بزنم میخواهم مستقیماً با آنان سخن بگویم و از اعتقادات آنها و حرفهایشان بشنوم" او می گفت "ارزشهای چه گوارا بدون تحریف و مصادره به مطلوب می تواند جهانی باشد، همانطور که هست"

سخنان آلیدا خیالم را راحت میکند. چرا که در این همه مدت شاهد ماچ و بوسه های چاوز، مورالس، اورتگا و... با رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بوده ایم. حقا که "چه گوارا چیز دیگری است" و از فرزندان چه گوارا هم درست همین انتظار می رفت. بعد از سخنان آلیدا دو کتابچه راهنمای توریستی ایران به او و برادرش اهدا شد و بی درنگ آنها را از روی صحنه به پایین آوردند و از در کناری خارج کردند. بسیجی ها اجازه ندادند کسی دنبال آنها برود و فرزندان چه همراه سفیر کوبا و هیات همراه به سرعت به بیرون از

دانشگاه برده شدند.

حالا من مانده ام بسیج با آبروریزی پیش آمده چه باید بکند و ساتسور خبری بخش های اصلی حرفهای آلیدا چه فیلم تازه ای از این نشست را به وجدان عمومی جامعه و جهانیان ارائه خواهد کرد؟ اما از خود میپرسم: این چه قدرتی است در چه گوارا که فرزندان او از پس نزدیک به 4 دهه، اینچنین بارور از دانش راستین و ملامال از عشق به خلق و جسور و مسامحه ناپذیر میکند؟

درد بر آلیدا گوارا! درود بر کامیلو گوارا!

برقرار باد کمونیسم! زنده باد ار نستو چه گوارا!

خبر اختصاصی آوای دانشگاه

نوشته شده در چهارشنبه چهارم مهر 1386 ساعت 17:7 توسط دانشجوی پلی تکنیک. کاوه

به ما پیوندید

<http://www.Ex-Muslime.com/Persian/ozviat.htm>

با مراجعه به لینک بالا میتوانید آنلاین به عضویت سازمان اکس مسلم در آید

www.Ex-Muslime.de

برای ملاحظه آرشیو ضدین

www.Ex-Muslime.com

به سایت بالا مراجعه کنید

گزارشهای روزانه از آلمان ۱۷



محمد آسنگران

فعالیت‌های گسترده و اجتماعی در دنیا
بر علیه اسلام سیاسی
تغییر در قوانین و ممنوعیت حجاب
کودکان

بریتانیا:

۱- سازمان اکس مسلم در انگلیس و اسکاتلندی و هلند و آلمان، در دو ماه اخیر، منشا تأثیرات مهمی در دنیای سیاست در دنیا بود.

یکبار دیگر میلیونها نفر در سراسر جهان، صدای انتقاد و اعتراض بر علیه اسلام سیاسی، بر علیه دخالت مذاهب در تولت و آموزش و پرورش و بر علیه دو قطب تروریستی را شنیدند.

در انگلیس سازمان اکس مسلم و دبیر این واحد مریم نمازی با دهها شبکه خبری مصاحبه کرده و در چندین جلسه سخنرانی در دانشگاهها و مراکز عمومی شرکت کرد. سفر مریم نمازی به ایسلند و مصاحبات و سخنرانیهای او در این کشور، با موجی از سمپاتی و توجه در افکار عمومی مواجه شد. طوری که مریم را در خیابانها و مراکز عمومی شناخته و بارها مردم از او علنا تشکر کرده و برای او آرزوی موفقیت میکردند. در یک مورد زنی که مریم را در خیابان شناخته، گفته بود: شما همان قهرمانی هستید که از ایران آمده و در اینجا سخنرانی میکنید.

مریم نمازی در رسانه های متعددی حضور داشت و مصاحبه ها و بحثهای او در نقد اسلام سیاسی و سازمانهای اسلامی در شبکه رادیویی بی بی سی و یا سی ان ان

نمونه هایی از حضور اکس مسلم در دنیا بود.

<http://maryamnamazie.blogspot.com>

<http://www.youtube.com/watch?v=aM4upL4Gr4Y>

<http://www.islam-watch.org/MNamazie/Ex-Muslims-Council-of-Britain.htm>

http://en.wikipedia.org/wiki/Maryam_Namazie

کنفرانس مطبوعاتی در هلند، امضا مانیفست لاهه، بعنوان سیاست عمومی سازمانهای اکس مسلم در اروپا لاهه:

۲- روز ۱۱ سپتامبر در شهر لاهه به فراخوان کمیته اکس مسلم هلند کنفرانس مطبوعاتی با شکوهی برگزار شد. در این کنفرانس مریم نمازی، احسان جامی و مینا احدی سخنرانی کرده و به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند. در این کنفرانس بیش از هفتاد شبکه خبری حضور داشتند و خبر این کنفرانس در همه رسانه های هلندی و در چندین شبکه خبری جهانی پخش شد. در این کنفرانس مانیفست ارائه شده از طرف سازمان اکس مسلم در انگلیس به عنوان مانیفست لاهه، به تصویب و امضا مسئولین اکس مسلم در همه کشورهای اروپایی رسید و در عمل به عنوان راهنمای فعالیت اکس مسلم در اروپا تصویب شد.

<http://www.jesus.ch/index.php/D/article/476/39021>

کنفرانس در پارلمان اروپا روز ۱۲ سپتامبر

۳- روز ۱۲ سپتامبر به دعوت کمیسون جدایی مذهب از تولت، اتحادیه اروپا مریم نمازی و مینا

احدی در پارلمان اروپا سخنرانی کردند. در این جلسه در مورد دخالت مذاهب در تولت و آموزش و پرورش، بحث شد و بررسی چگونگی اجرای کامل جدایی مذاهب از تولت بررسی شد. مینا احدی و مریم نمازی در مورد دخالت مسیحیت و مذاهب دیگر در اروپا و همچنین از دخالت اسلام و اسلام سیاسی در زندگی مردم در اروپا صحبت کرده و خواهان جدایی کامل همه مذاهب و از جمله اسلام از تولت و آموزش پرورش شدند. در این جلسه بیش از صد نفر از نمایندگان پارلمان و کارکنان اتحادیه اروپا حضور داشتند و نقد شدید ما از مامشات اتحادیه اروپا و دولتهای غربی با اسلام سیاسی و دفاع از نسبییت فرهنگی و غیره را شنیدند. در این جلسه مریم نمازی و مینا احدی خواهان ممنوعیت حجاب کودکان و ممنوعیت تدریس مذهب در مدارس شدند. در این جلسه یکی از نمایندگان پارلمان اروپا از آلمان اعلام کرد که روز ۱۱ سپتامبر در پارلمان اروپا، کمیسونی که به امر و یا خواست ممنوعیت حجاب کودکان رسیدگی میکند، جلسه داشته و اکثر نمایندگان پارلمان با ممنوعیت حجاب کودکان موافقت. الان بحث در مورد نحوه اجرای این خواست است. بعد از این جلسه یک کنفرانس مطبوعاتی در محل پارلمان اروپا برگزار شد که در آن به سوالات خبرنگاران پاسخ داده شد.

<http://www.ksta.de/html/artikel/1190092542571.shtml>
<http://hpd-online.de/node/2610>

۱۷ سپتامبر جلسه در پارلمان اروپا

با عنوان " شریعه در اروپا"

۴- روز ۱۷ سپتامبر به دعوت تعدادی از نمایندگان پارلمان از آلمان، کنفرانسی در محل پارلمان اروپا در مورد شریعه در اروپا برگزار شد. در این کنفرانس چندین نفر سخنرانی کردند، از جمله مهین علیپور مسئول اکس مسلم در اسکاتلندی و مینا احدی از آلمان در این کنفرانس سخنرانی کردند. کنفرانس شریعه در اروپا به بررسی قوانین اسلامی و دخالت سازمانها ی اسلامی در زندگی مردم در اروپا و همچنین تقلا ی این سازمانها برای اجرای قوانین اسلامی در زندگی مردم فراری از کشورهای اسلام زده صحبت شد. در این کنفرانس مینا احدی و مهین علیپور به دخالت سازمانهای اسلامی و هماهنگی و مامشات پارلمان اروپا با این سازمانه انتقاد کرده و اعلام کردند که همه مذاهب باید دستشان از زندگی مردم کوتاه شود. در این کنفرانس ۱۷۰ نفر از نمایندگان پارلمان اروپا حضور داشت و رسانه ها بعد از این کنفرانس گزارشات مفصلی در این مورد نوشتند. از جمله در آلمان روزنامه کنتر شتات انتسلیگه نوشت که اکس مسلم در اروپا خواهان جدایی کامل مذهب از تولت و آموزش و پرورش جدا شوند. در ترکیه این کنفرانس انعکاس مطبوعاتی زیادی داشت و رادیو سراسری آلمان بویچه روندفونک بعد از کنفرانس با مینا احدی در مورد جدایی مذهب از تولت و نقد اکس مسلم از موقیت فعلی و دخالت مذهب در آموزش و پرورش مصاحبه مفصلی کرد که چندین بار از رادیو سراسری آلمان پخش شد.

<http://www.idw-online.de/pages/de/>



دلایل در دنیا معروف است. مینا احدی در سخنرانی خود در مورد رفتار غیر انسانی با زنان و قتل‌های ناموسی در مورد اعدام‌های گسترده و اعدام فعالین سیاسی صحبت خواهد کرد.

گروه کاری زنان و انتگراسیون از مینا احدی دعوت به سخنرانی کرده است چرا که بنظر ما فعالیتهای او در دفاع از حقوق انسانی، در دفاع از حقوق زنان، علیه قتل ناموسی و خنثه کردن زنان، علیه اعدام و سنگسار به همبستگی جهانی احتیاج دارد.

<http://www.presse-service.de/data.cfm/static/675777.html>
<http://hpd-online.de/node/2768>
<http://www.teachersnews.net/te68/index.nsf/0/37EEEC5D51D263B4C12573460057AB9F?OpenDocument>

http://www.svd.se/dynamiskt/brannpunkt/did_17129547.asp

<http://svt.se/svt/road/Classic/shared/mediacenter/index.jsp?&d=30929&a=342607>

دعوت به یک جلسه سخنرانی

6- در یک اطلاعیه مطبوعاتی برگزار کنندگان جلسه در رسانه های آلمانی میخوانیم:

برای یک جلسه مهم گروه کاری حقوق زنان و انتگراسیون در شهر موشن گلاباخ آلمان از مینا احدی مسئول سازمان اکس مسلم و هماهنگ کننده کمیته بین المللی علیه سنگسار دعوت کرده است که در روز ۲۴ ماه سپتامبر در محل Bis Zentrum سخنرانی کند.

مینا احدی بر علیه سنگسار و اعدام مبارزات گسترده ای کرده و بهمین

مطبوعات مواجه شد. بیش از 40 شبکه خبری و خبرنگاران و عکاسان و فیلمبرداران این شبکه ها در این کنفرانس حضور داشته و به انعکاس مطبوعاتی این کنفرانس پرداختند. در این کنفرانس چند نفر از اسلامیهها نیز حضور داشته و با نماز خواندن و سر و صدا کردن در جلسه میخواستند اغتشاش ایجاد کنند که با مخالفت مردم روبرو شدند و به بیرون سالن هدایت شدند.

http://www.bbc.co.uk/persian/worldnews/story/2007/09/070919_shr-caricaturist-sweden.shtml

<http://www.vilks.net/>

http://www.svd.se/dynamiskt/brannpunkt/did_17129539.asp

news223854

۱۸ سپتامبر کنفرانس مطبوعاتی در استکهلم در دفاع از آزادی بیان

5- سازمان اکس مسلم در سوئد کنفرانسی را در شهر استکهلم در دفاع از آزادی بیان به همراه اومانیستهای سوئد سازمان داد. در این کنفرانس لارس ویلکس هم سخنران بود. لارس کاریکاتوریستی است که القاعده و یکی از رهبران آن به اسم البغدادی او را تهدید به قتل کرده بود. لارس کاریکاتوری کشیده که باعث خشم سازمانهای اسلامی و دولت‌های اسلامی شده و فرمان سر بریدن لارس را صادر کرده اند. اکس مسلم در سوئد، فوراً با لارس تماس گرفته و از او دفاع کرد. کنفرانس روز ۱۸ سپتامبر با استقبال وسیعی در افکار عمومی و در بین

از میان نامه ها

سارا :

شاید بی ربط نباشد اگر از روزه بگیریم چون الان در کشورهای اسلام زده و ایران رمضان است اولین شب رمضان امسال ساعت ۳ نصفه شب با صدای گوشخراش ملاها از خواب پریدم . همه باهم شروع کرده بودند به موعظه و بیدار کردن مردم برای خوردن سحری. صداها طوری بود که برای يك لحظه من فکر کردم که شاید کسی مرده ترسیده بودم اما بعد یادم آمد که نه بابا مثل اینکه رمضان به

با آن صداها و از خواب پریدن ناگهانی ام احساس سردرد عجیبی می کردم با خودم گفتم خوش بحال مردمی که در غرب زندگی میکنند لااقل کسی

نصفه شب مزاحم خوابشان نمی شود . حالا این فکر انیتم می کند که این صداها و موعظه های نصفه شب را تا یک ماه چطوری تحمل کنم .

بابا اگه من نخوام روزه بگیرم باید کی را ببینم . یادم آمد رمضان پارسال يك شب با اصرار زیاد خواهر بزرگم از خواب بیدار شدم که حداقل این يك سحری را پس از ۶ سال با آنها باشم البته نه برای روزه

گرفتن چون شش سالی بود که مذهب را رها کرده بودم. آن شب به خانواده ام نگاه می کردم و یک نگاهم به ساعت بود یک دفعه با تکان خواهرم از جا پریدم که گفت چیه؟ چرا اینقدر به ساعت و بعشش به ما نگاه می کنی؟ خوب تو هم مثل ما یک چیزی بخور. جواب دادم ساعت ۴ نصفه شبه من که دیوانه نیستم چه معنی دارد شماها برای غذا خوردن نصفه

بودم به آدم آهنی كوك شده بیشتر شباهت داشتم تا به انسانی دارای قدرت تفکر. با خودم هم بیگانه بودم چون ته دلم از این وضعیت راضی نبودم .

در طول آن سالها کل قرآن را دو بار از اول تا آخر خواندم و سوره های زیادی را هم حفظ بودم از طرف اطرافیانم تشویق می شدم و آنها بخاطر داشتن دختر مذهبی اشان به خود افتخار میکردند اما خودم همیشه از خودم بیزار بودم به غیر از خواندن قرآن و کتابهای مدرسه ام ، هیچ کتاب دیگری نخوانده بودم چون از کتابخوانی چیزی یاد نگرفته بودم اصلاً مطالعه بلد نبودم حیفاً از آن دورانهایی که ذهن من بیشترین آمادگی را برای یادگیری داشت اما هدر رفت. واقعاً فرصتهای زیادی را از دست دادم فضای كوچك و

شب بیدار شدید. آنها هم خندیدند و گفتند حالا یعنی ما دیوانه ایم؟ من هم با تکان دادن سر تأیید کردم بعد خواهرم گفت برو بخواب تا از دستت عصبانی نشدم .

رقم بخوابم که صدای مادرم را شنیدم که می گفت نمی دانم چرا این دختره اینطوری شده اون که همیشه قرآن می خواند و اهل نماز و روزه بود حالا از دین رویگردان شده . امیدوارم که خدا هدایتش کند. با این جمله مادرم سالهای مذهبی بونم را به یاد آوردم آن شبهای رمضان که تا صبح نمی خوابیدم و قرآن می خواندم بدون اینکه حتی يك کلمه از آن کلمات عربی را بفهمم بدون اینکه حتی يك بار از خودم بیرسم که چی می خوانم و چی از آن یاد گرفتم. یا اصلاً چرا روزه می گیرم کلابلد نبودم سؤال کنم . با طرح پرسش به کلی بیگانه

ضد دین را بدوستان خود معرفی کنید

بیانیه اعلام موجودیت

"علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن"

دختر و پسر را حق خود میدانند، جداسازی و آپارتاید جنسی را ضدانسانی میدانند، و در یک کلام میخواهند از یک زندگی انسانی و برابر برخوردار باشند، را به پیوستن به این سازمان فرامیخوانیم به ما ببینید، "علیه تبعیض- سازمان دفاع از حقوق زن" سازمانی برای شما است. به این سازمان ببینید، آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید و به هر شکل که میتوانید از آن حمایت کنید.

نه به تبعیض، نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی
زنده باد آزادی و برابری

علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن
۲۵ اوت ۲۰۰۷ - ۳ شهریور ۱۳۸۶
آدرس تماس:

nohejab@yahoo.com

۷- معرفی و شناساندن جنبش آزادی زن در سطح بین المللی و جلب حمایت مدافعین حقوق زن و مردم آزادیخواه و فعالین و نهادهای چپ و مترقی از این جنبش.

اعضای شورای مرکزی "علیه تبعیض" عبارتند از مینا احدی، زری اصلی، شهلا خباززاده، میترا دانش، شهلا دانشفر، سهیلا شریفی، محبوبه سیاهمردی، مهین علیپور، مرصده قانلی، اصغر کریمی، فرشته مرادی، مهناز ماسوری، منوچهر ماسوری، شهناز مرتب، شیوا محبوبی و مریم نمازی. شورای مرکزی در اولین جلسه خود مهین علیپور را بعنوان دبیر و مینا احدی و مریم نمازی را بعنوان سخنگویان این سازمان انتخاب کرد.

همه زنان و مردان آزادیخواه، همه جوانانی که خواهان رهایی از تبعیض و خفت و بیحقوقی و قوانین عصر حجر هستند، رابطه طبیعی

تمام اشکال ستم و تحقیر و بی حقوقی بر زنان و تحقق برابری واقعی زن و مرد در جامعه!

۲- جدائی کامل مذهب از دولت و از آموزش و پرورش.

۳- لغو حجاب، آزادی پوشش، و لغو کامل آپارتاید جنسی.

۴- مقابله با مردسالاری و کلیه سنتهای ملی - اسلامی عقب مانده و ارتجاعی ضد زن.

۵- متحد و منسجم کردن جنبش آزادی زن حول خواستههای برابری طلبانه، رادیکال، ماکسیمالیستی و سکولار.

۶- متشکل کردن جنبش آزادی زن در سطوح مختلف، متحد کردن فعالین این جنبش حول خواستههای رادیکال و پایه ای زنان و تامین یک رهبری منسجم و یک سازمان وسیع و فراگیر برای امر رهایی زن.

خوشحالیم که تشکیل "علیه تبعیض- سازمان دفاع از حقوق زن" را به اطلاع برسانیم "علیه تبعیض" سازمان مبارزه برای آزادی و رهایی زن، رفع کامل تبعیض جنسی و برابری کامل زن و مرد در همه وجوه زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. "علیه تبعیض" به یک جنبش وسیع اجتماعی علیه ستم و تبعیض جنسی در ایران تعلق دارد که هر روز قدرتمندتر و رادیکالتر به جلو گام برمیدارد. "علیه تبعیض" متحد کردن، سازمان دادن و به میدان آوردن هرچه قدرتمندتر این جنبش را امر فوری خود میدانند. "علیه تبعیض" همچنین به یک تلاش جهانی برای رهایی زن از قید همه نابرابری ها و تبعیضات تعلق دارد و برای پیروزی خود بر این همبستگی جهانی تکیه میکند. "علیه تبعیض- سازمان دفاع از حقوق زن" اهداف زیر را در دستور دارد:

۱- رفع کامل و قطعی هرگونه تبعیض علیه زنان، ریشه کن کردن

کرده ام و جدائی از مذهب را نقطه عطفی در زندگی خود می دانم. واقعا مذهب انسان را به نابودی و پستی می کشاند. از همین جا برای مینا احدی عزیز وسایر دوستان که اکس مسلم را به جهانیان می شناساند و برای روکردن مذهب تلاش می کنند تشکر می کنم و برایشان آرزوی پیروزی و سر بلندی دارم.

به امید روزی که همه انسانها از ماهیت بی ارزش و پوچی مذاهب آگاه شوند.

چرا نباید لباس راحت بپوشم؟ با حجاب اسلامی احساس خفگی می کردم.

مذهب جدا از آنکه همه انسانها را تحقیر میکند به مراتب زن را بیشتر تحقیر میکند. با آن شیوه زندگی که قرآن برای زنان گفته، زنان در این دنیا جایی ندارند و حتی بنیاد آمنتشان مایه ننگ است. زنانی که دارای تفکر مذهبی هستند هرگز از جنسیتشان راضی نیستند و از آنجائیکه برای خود ارزشی قابل نیستند همیشه مرگ را به زندگی ترجیح می دهند بیشتر زنانی که به خودکشی روی می آورند زنان مذهبی هستند. این را خودم به وضوح دیده و احساس

محدودی را برایم درست کرده بودند که احساس می کردم این فضای محدود مذهبی گنجایش من را ندارد. مانند زندانی بودم که می خواستم درهای قفس را بشکنم آنقدر زندگی را از چشم انداخته بودند که احساس پوچی و بیهودگی می کردم. آخر اگر قراره به امید دنیای دیگری باشم پس زندگی در این دنیا چه مفهومی دارد. چرا باید از شادی سهمی نداشته باشم؟ چرا باید دائما نماز بخوانم و روزه بگیرم؟ چرا باید در حال سختی و ریاضت باشم؟ چرا نباید با صدای بلند بخندم؟ در آن دوران یک بار هم از ته دل نخندیدم چون من دختر بودم و باید دائما خودم را و خواستههایم را قایم کنم.

"ضد دین"

را

با ارسال مقالات، عکسها
نامه ها و گزارشات
خود از مبارزه بر علیه
اسلام و اسلام سیاسی ؛
از همایش ها و پیوست
خود به اکس مسلم

یاری دهید !!!

توضیح سر دبیر:

بیش از ۲۸ سال از حکومت رژیم اسلامی میگذرد. رژیم اسلامی که از ابتدا، تسلط و تثبیت خود را با خشونت بی نظیر در تاریخ بشری، با سرکوب هر نوع فریاد اعتراض، با ترور و زندان و اعدام و ... سنگسار و هر زدالتی که از تصور خونین ترین دیکتاتورها نیز بیور بود میسر میبید، در ادامه ننگین بقای خود با فاجعه دیگری - قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷ - داغ و زخم دیگری بر دل انسانها گذاشت. این زخم گشوده را التیامی نیست. حتی یک روز از حکومت این رژیم اسلامی فراموش شدنی نیست. جزئیات این قتل عام، تعداد عزیزانی که در تابستان ۶۷ بدست این جنایتکاران اسلامی اعدام شده اند و ... بر جهانیان و بازماندگان معلوم نیست.

آقای ایرج مصداقی، یکی از شاهدان و بازماندگان قتل عام تابستان ۶۷ در مجموعه زیر این تلاش را دارد که مسئولین این جنایت را به جهانیان و بازماندگان افشا کند.



مسئولان قتل عام زندانیان سیاسی، بخش اول

مقدمه:

نوزده سال از قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ میگذرد و آمران و عاملان این کشتار بی رحمانه همچنان به یمن در دست داشتن اهرم های قضایی و سیاسی کشور به جنایت مشغولند.

متأسفانه تاکنون از سوی نیروها و شخصیت های سیاسی آنطور که باید و شاید تلاش درخوری برای شناساندن چهره های این جنایتکاران در سطح بین المللی انجام نگرفته است و غالب تلاش ها در نیمه راه و بدون حصول نتیجه ای مشخص رها شده است. در شرایط کنونی و طیفی ماست که از همه ی نیروی خود در مسیر افشای این جنایتکاران استقاده کنیم.

برای نیل به این هدف قیل از هر چیز بایستی ادعاهای خود را مستند و محکمه پسند کرده و از انتشار اخبار نادرست و ادعاهای بی اساس خودداری کنیم.

من نیز به سهم خود تلاش می کنم در مسیر فوق قدم بردارم و تا آن جا که ممکن است در تصحیح اشتباهاتی که صورت گرفته بگویم. مطمئناً در این راه کمبودها و کاستی هایی در کار پیش می آید که لازم است از سوی افراد مطلع تصحیح شود.

در مقاله ای «تصحیح یک اشتباه و پوزش از روح بزرگ قتل عام شدگان تابستان ۶۷» تلاش کردم با ارائه سند و مدرک معتبر، نام کوچک نیری را که به اشتباه در ۱۹ سال گذشته از سوی گروه ها و شخصیت های سیاسی «جعفر» عنوان شده بود، تصحیح کنم. متأسفانه چنانچه انتظار آن میرفت بعد از انتشار این مطلب برخی از افراد و گروه های سیاسی و از جمله در برنامه ی «نمایش قتل عام زندانیان سیاسی» که توسط سازمان مجاهدین خلق تهیه و در سیمای آزادی به نمایش گذاشته شد همچنان با پافشاری بر اشتباهی که صورت گرفته به جای حسینعلی از نام «جعفر» برای معرفی نیری رئیس هیئت قتل عام استفاده کردند. امیدوارم واقعیت از سوی افراد و جریانات سیاسی و تهیه کنندگان این نوع برنامه ها پذیرفته شود. چرا که اعلام اشتباه نام یک شخصیت حقیقی و حقوقی مانند حسینعلی نیری که در جنایت علیه بشریت نقش مستقیم داشته جز ضرر دستاوردی برای هیچ کس ندارد.

از سوی دیگر خاتم عفت ماهیار پس از گذشت ۱۹ سال از قتل عام ۶۷ در ادعایی عجیب و جنید اعلام می کند:

«در شامگاه ۵ مرداد سال ۱۳۶۷، روز بعد از درگیری مجاهدین با حکومت، (فروغ جاودان مجاهدین یا مرصاد...)، اولین سری زندانیان از جمله همسر علی رضا اسکندری (شاپور) را اعدام کردند. این عده از گروه های مختلف چپ در زندان بودند.»

<http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=10584>

با آن که اسناد این جنایت هولناک از سوی آیت الله منتظری قائم مقام وقت رهبری انتشار یافته و ده ها شاهد زنده حضور دارند و اسناد و مدارک و شهادت شهود دال بر این است که قتل عام با اعدام زندانیان مجاهد شروع شده و متعاقب آن زندانیان مارکسیست در شهریور ۶۷ اعدام شدند اما خاتم ماهیار به ناگهان ادعا می کند «روز بعد از درگیری مجاهدین با حکومت» اولین سری زندانیان که «از گروه های مختلف چپ بودند» اعدام شدند! نمی دانم خاتم ماهیار از بیان این خبر نادرست آن هم پس از گذشت ۱۹ سال از قتل عام ۶۷ به دنبال چه منفعتی و یا تثبیت چه سیاستی است، اما می دانم دود این گونه اقدامات تنها در چشم آن هایی می رود که تلاش می کنند این جنایت بزرگ را به صورت مستند در پیش افکار عمومی دنیا مطرح کنند.

این سیاست مفید نیست تنها نیروها را هرز می برد. باید توجه کرد ما در مسابقه ی دو شرکت نکرده ایم که تلاش می کنیم با جرزنی بگویم من اول از همه از خط پایان گذشتم تازه عزیزان من اول اعدام شده باشند یا آخر، چه فرقی در فاجعه ای که به وقوع پیوست می کند؟ اثبات خود مهم تر است یا بیان واقعیت ها؟ کدام یک به دادخواهی در سطح بین المللی کمک می کند؟

با چهره ی حسینعلی نیری رئیس هیئت کشتار ۶۷ آشنا شویم:

یکی از کمبودهای مهم برای افشای چهره ی جنایتکاران در سطح بین المللی و تلاش برای دادخواهی، عدم دسترسی به عکس تعدادی از اعضای هیئت قتل عام ۶۷ بود. تا

پیش از این عکسی از حسینعلی نیری رئیس حکام شرع اوین و رئیس هیئت قتل عام زندانیان سیاسی و همچنین مرتضی اشراقی دادستان انقلاب تهران و یکی از اعضای هیئت کشتار زندانیان سیاسی انتشار نیافته بود. رژیم آگاهانه از انتشار عکس آن ها جلوگیری می کند. از مدت ها پیش هم و غم را بر این گذاشتم تا بلکه عکسی از



حسینعلی نیری

نیری و اشراقی به دست آورم و با انتشار آن پرده از چهره ی این جنایت بر دارم. خوشحالم که این مهم در نوزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی انجام می گیرد.

تا آنجا که می دانم هیچ عکسی به تنهایی از حسینعلی نیری در جایی انتشار نیافته است یا من به آن دسترسی نداشتم، به همین دلیل عکس او را در چند مراسم عمومی و در میان دیگر سران دستگاه قضایی رژیم باقیم. نیری هم اکنون معاون قضایی دیوان عالی کشور است. به غیر از حسینعلی نیری عکسی نیز از علی مبشری باقیم که در جریان قتل عام سال ۶۷ در بعضی از دانشگاه های اوین به جای نیری حضور می یافت. علی مبشری هم اکنون رئیس دادگاه انقلاب است.

متأسفانه علیرغم تلاش زیادی که به خرج دادم، تاکنون نتوانستم عکسی از مرتضی اشراقی به دست بیاورم. وی هم اکنون رئیس یکی از شعب دیوان عالی کشور است. بسیار ممنون خواهم شد چنانچه یکی از هموطنان دسترسی به عکس او دارد برای من ارسال کند.

در عکس های زیر حسینعلی نیری را همراه با صاحب منصبان قضایی رژیم می بینید.



از راست به چپ: حسینعلی نیری-صدیقی- غلامحسین محمدی گاپیگانی- محمود هاشمی شاهرودی- حسین مفید- عبدالنبی نمازی



مصاحبه مطبوعاتی حسین مفید رییس دیوان عالی



مسئولان قوه قضاییه و دیوان عالی کشور

از چپ به راست: عباسعلی عزیززاده قرابتی دری نجف آبادی- حسین مفید- محمود هاشمی شاهرودی- علی یونس- حسینعلی نیری- اسماعیل شوشتری

مسئولان کشتار زندانیان سیاسی در جریان قتل عام ۶۷



زندانیان سیاسی کرج که در زندان گوهردشت به سر می‌برند نقش فعالی داشتند. متأسفانه اسامی اعضای هیئت قتل‌عام به ویژه در شهرهای رشت، مشهد، اصفهان، شیراز، دزفول، تبریز، همدان، قزوین، اراک، خرم‌آباد، قم و... تاکنون نامشخص مانده است. بر همه ی ما واجب است که در راه شناسایی این دسته از جانیان بیش از پیش کوشا باشیم.

مسئولان قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷۷ بخش دوم

مسئولان وزارت اطلاعات در دوران قتل‌عام

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در برنامه ریزی و اجرای این جنایت بزرگ علیه بشریت، نقش اساسی را به عهده داشت. افراد فوق در زمره ی مسئولان درجه اول و تأثیرگذار وزارت اطلاعات بوده‌اند. این افراد در جریان قتل‌های زنجیره‌ای، قتل‌های سیاسی و غیرسیاسی دو دهه گذشته، سرکوب زنان، دانشجویان، کارگران، روشنفکران، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی نقش عمده و تعیین کننده‌ای داشته‌اند. غلامحسین محمدی گلپایگانی و اصغر حجازی با ادارای دفتر خامنه‌ای نقش مهمی در پیشبرد سیاست‌های رژیم دارند.



از راست به چپ: ردیف اول، محمد محمدی ری شهری (وزیر) - علی فلاحیان (قائم مقام) - مصطفی پورمحمدی

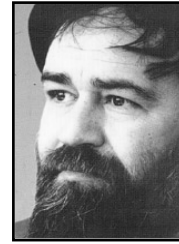
ردیف دوم: غلامحسین محسنی اژه‌ای روح‌حسینیان-احمدپورنجاتی
ردیف سوم: علی‌اصغر حجازی و غلامحسین محمدی گلپایگانی

مسئولان شورای عالی قضایی در دوران قتل‌عام



از راست به چپ: مرتضی مقتدایی - سید عبدالکریم موسوی
اردبیلی - محمد موسوی خوئیینی‌ها - سید محمد موسوی بجنوردی -
سید محمد حسن مرعشی شوشتری

شورای عالی قضایی رژیم به عنوان بالاترین مرجع قضایی در دوران قتل‌عام، مسئولیت مستقیم قتل‌عام زندانیان سیاسی را به عهده داشت. از پنج عضو شورای عالی



روح‌الله خمینی و سیداحمد خمینی

روح‌الله خمینی به عنوان صادر کننده فرمان قتل‌عام و احمد خمینی به عنوان نویسنده متن حکم قتل‌عام و پیگیری کننده اجرای آن، نقش اساسی در این کشتار بزرگ داشتند. فرمان خمینی برای قتل‌عام زندانیان مجاهد در شش مردادماه ۶۷۷ صادر شده است. در شهریور ۱۳۶۷ حکم جدیدی برای قتل‌عام زندانیان مارکسیست صادر شد که متأسفانه تاکنون متن آن انتشار نیافته است و مشخص نیست حکم شفاهی بوده یا کتبی. متن فرمان خمینی برای قتل‌عام زندانیان مجاهد به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می‌گویند از روی حیله و نفاق آن‌هاست و به اقرار سران آن‌ها از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند، و با توجه به محارب بودن آن‌ها و جنگ‌های کلاسیک آن‌ها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری‌های حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام علیه ملت مسلمان ما، و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه‌ی آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقايان حجت‌الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد، اگر چه احتیاط در اجماع است، و همین‌طور در زندان‌های مراکز استان کشور رای اکثریت آقايان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده اطلاعات لازم‌الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است. قطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تریدناپذیر نظام اسلامی است. امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام، وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند "اشدا علی‌الکفار" باشند. تردید در مسائل اسلام انقلابی، نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد. والسلام. روح‌الله الموسوی‌الخمینی»

متن کامل خاطرات منتظری، اتحاد ناشران ایرانی در اروپا، صفحه‌ی ۵۲۰.

احمد خمینی در نامه‌ی خطاب به منتظری به صراحت از مسئولیت شرعی پدرش در رابطه با فرمان قتل‌عام زندانیان سیاسی صحبت می‌کند و از قول او می‌نویسد:
«مسئولیت شرعی حکم مورد بحث [قتل‌عام زندانیان سیاسی] با من است جنابعالی نگران نباشید. خداوند شر منافقین را از سر همه کوتاه فرماید. ۱۵ مرداد ۱۳۶۷، ارادتمند، احمد خمینی»

متن کامل خاطرات منتظری، اتحاد ناشران ایرانی در اروپا، صفحه‌ی ۵۲۱.

اعضای هیئت قتل‌عام ۱۳۶۷



از راست به چپ: اسماعیل شوشتری - علی مبشری - مصطفی

افراد فوق (عکس بالا) در دادگاه‌های تشکیل یافته در اوین و گوهردشت حضور به هم رسانده و فرمان اعدام زندانیان را پس از مشاوره کوتاهی صادر می‌کردند. متأسفانه عکسی از مرتضی اشراقی دادستان انقلاب تهران در دست نیست. در زندان گوهردشت، شیخ محمد مغیثه‌ای (محمد نصریان)، داوود لشکری و حمید عیسی به آن‌ها یاری می‌رسانند. در اوین، مهدی واعظی (زمانی)، مجتبی حلویایی عسگر، سید حسین مرتضوی، حسن دهنوی (قاضی حداد)، سید حسین حسین زاده برای تصمیم‌گیری در مورد سرنویشت زندانیان سیاسی به آن‌ها یاری می‌رسانند. نادری و فاتح دادستان انقلاب و مسئول اطلاعات کرج به هنگام تصمیم‌گیری در مورد کشتار

مسئولین سیاسی جمهوری اسلامی در دوران قتل عام ۱۳۶۷



ردیف اول از راست به چپ: سیدعلی خامنه‌ای، ریاست جمهوری - علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی، ریاست مجلس و ریاست ستاد فرماندهی کل قوا - میرحسین موسوی، نخست‌وزیر
ردیف دوم از راست به چپ: علی‌اکبر لاریجانی، وزیر امور خارجه - حسن‌ابراهیم حبیبی، وزیر دادگستری - سید محمد خاتمی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون ستاد فرماندهی کل قوا، علی‌اکبر هاشمی، وزیر کشور

تصویر اعضای تعیین کننده دولت و حکومت اسلامی در حضور خمینی، چنین ترکیبی برای تصمیم‌گیری در امور مهم نور هم جمع می‌شدند.



از راست به چپ: میرحسین موسوی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، محمدمحمدی ریشهری، روح‌الله خمینی، علی‌اکبر لاریجانی، سیدعلی خامنه‌ای، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، سیداحمد خمینی

تی چند از پیگیران، حامیان و تأیید کنندگان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷



ردیف اول: از راست به چپ: مهدی کروبی - محمدبزدی - مجید انصاری -

قضایی در دوران قتل عام ۶۷۷، سه نفر عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید محمد بجنوردی و سید محمد موسوی خورنی‌ها امروز وابسته به جناح «اصلاح‌طلب» رژیم هستند. پرسش و پاسخ احمد خمینی با پدرش به خوبی نشانگر نقش مستقیم شورای عالی قضایی در قتل عام زندانیان سیاسی است. احمد خمینی خطاب به پدرش نامه زیر را نوشته و سؤالات موسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضایی را مطرح می‌کند:

«پدر بزرگوار حضرت امام مد ظله‌العالی،

پس از عرض سلام، آیت‌الله موسوی اردبیلی در مورد حکم اخیر حضرت‌تعالی در باره‌ی منافقین ابهاماتی داشته‌اند که تلفنی در سه سؤال مطرح کردند:

- ۱- آیا این حکم مربوط به آن هاست که در زندان‌ها بوده‌اند و محاکمه شده‌اند و محکوم به اعدام شده‌اند ولی تغییر موضع نداده‌اند و هنوز هم حکم در مورد آن‌ها اجرا نشده است، یا آن‌هایی که حتا محاکمه هم نشده‌اند، محکوم به اعدامند؟
 - ۲- آیا منافقین که محکوم به زندان محدود شده‌اند و مقداری از زندانشان را هم کشیده‌اند ولی بر سر موضع نفاق می‌باشند، محکوم به اعدام می‌باشند؟
 - ۳- در مورد رسیدگی به وضع منافقین، آیا پرونده‌های منافقینی که در شهرستان‌هایی که استقلال قضایی دارند و تابع مرکز استان نیستند، باید به مرکز استان ارسال گردد، یا خود می‌توانند مستقلاً عمل کنند؟ فرزند شما احمد»
- خمینی در پاسخ به سؤال فرزندش احمد، ضمن تأکید بر فرمان قتل عام زندانیان مجاهد خواهان تعجیل در صدور و اجرای احکام اعدام می‌شود:
- «بسمه‌تعالی، در تمام موارد فوق هرکس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است. سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید، در مورد رسیدگی به وضع پرونده‌ها، در هر صورت که حکم سریع‌تر انجام گیرد، همان مورد نظر است.»

متن کامل خاطرات منتظری، اتحاد ناشران ایرانی در اروپا، صفحه‌ی ۵۲۰

مسئولان سازمان قضایی نیروهای مسلح در دوران قتل عام



از راست به چپ: محمدبزدی - علی یونسی - علی‌رازمی

روح‌الله خمینی در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۶۷ پیش از شروع عملیات «فروغ‌جاویدان» ارتش آزادیبخش با صدور فرمانی خطاب به علی‌رازمی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح او را مأمور کشتار وسیع سربازان و درجه‌داران ارتش و نیروهای نظامی می‌کند. این فرمان به خوبی نشانگر عزم رژیم برای شروع اعدام‌های گسترده می‌باشد.

«بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای علی‌رازمی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح جنابعالی موظف می‌باشید:

- ۱- دادگاه ویژه تخلفات جنگ را در کلیه مناطق جنگی تشکیل و طبق موازین شرع بدون رعایت هیچ یک از مقررات دست و پاگیر به جرایم متخلفان رسیدگی نمایید.
- ۲- هر عملی که به تشخیص دادگاه موجب شکست جبهه اسلام و یا موجب خسارت جانی بوده و یا می‌باشد مجازات آن اعدام است. والسلام.

2/5/67

روح‌الله الموسوی الخمينی»

ناگفته مشخص است تأکید خمینی بر روی عدم «رعایت هیچ یک از مقررات دست و پاگیر» برای رسیدگی به تخلفات به چه معناست.

مسئولان قتل عام سیاسی زندانیان سیاسی در سال ۶۷۷، بخش سوم

در کنار مسئولان قضایی و امنیتی کشور مسئولان سیاسی و چهره‌های تعیین کننده حکمیت در دوره قتل عام نیز سهم بسزایی در قتل عام زندانیان سیاسی داشتند.

محموداد لاریجانی رییس دوم: حبیب الله عسگر اولادی- اسدالله بادامچیان-
قرابتعلی دری نجف آبادی- عبدالله نوری

در عکس زیر مصطفی پور محمدی و علی رازینی هنگام تصدی پست های قضایی در مشهد دنده می شوند. این دو در سال ۶۳ به تهران منتقل شدند، پور محمدی به وزارت اطلاعات پیوست و رازینی جایگزین لاجوردی در دادستانی انقلاب اسلامی مرکز شد.



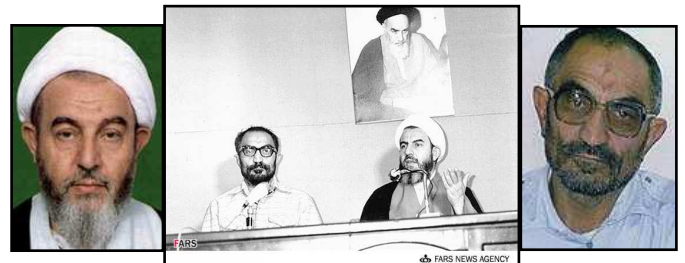
از راست به چپ: علی رازینی- سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی- مصطفی پورمحمدی
عکس مربوط به سال ۶۳-۱۳۶۲ در مشهد است.
علی رازینی، حاکم شرع و مصطفی پورمحمدی دادستان انقلاب مشهد

افراد بالا همچون محمد یزدی و سران مؤتلفه نقش مهمی در زمینه سازی و اخذ فرمان قتل عام زندانیان سیاسی از خمینی داشتند، به همین دلیل نیز پس از برکناری منتظری و به دست گرفتن سکان قوه قضاییه توسط محمد یزدی سران مؤتلفه از جمله لاجوردی، بادامچیان، زوارهای و... اهرم های قوه قضاییه را به دست گرفتند. در دوران پس از کشتار ۶۷ کروی، محتشمی، مجید انصاری و عبدالله نوری فعالیت گسترده ای در حمایت از قتل عام زندانیان سیاسی داشتند. عبدالله نوری و دری نجف آبادی تلاش می کردند هر طور شده منتظری را به توبه نویسی وادار سازند.

مسئولان قتل عام زندانیان سیاسی در سال های اولیه دهه ۶۰، بخش چهارم

مثلث لاجوردی، گیلانی و موسوی تبریزی مسئولیت کشتار هزاران زندانی در سال های اولیه دهه ۶۰ را به عهده دارند. این افراد از حمایت شورای عالی قضایی و مسئولان دولتی برخوردار بودند. در این بخش علاوه بر مثلث جنایت و شقاوت عکس های اعضای شورای عالی قضایی در سال های اولیه دهه ۶۰ را قرار داده ام.
متأسفانه عکس میرمحمدی یکی دیگر از اعضای شورای عالی قضایی را پیدا نکردم و عکس مرتضی مقتدایی دیگر عضو این شورا در بالا آمده است.

در عکس زیر مصطفی پورمحمدی و علی رازینی هنگام تصدی پست های قضایی در مشهد دیده می شوند. این دو در سال ۶۳ به تهران منتقل شدند. پورمحمدی به وزارت اطلاعات پیوست و رازینی جایگزین لاجوردی در دادستانی انقلاب اسلامی مرکز شد.



ایرج مصداقی
مرداد ۱۳۸۶
Irajmesdaghi@yahoo.com

رییس اول از راست به چپ: اسدالله لاجوردی دادستان انقلاب اسلامی مرکز- محمدمحمدی گیلانی
رئیس حکام شرع اوین
رییس وسط: سید حسین موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب اسلامی- علی قوسی دادستان کل انقلاب اسلامی- محمدمهدی ربانی املشی دادستان کل کشور
رییس سوم: محمد مؤمن عضو شورای عالی قضایی- یوسف صانعی دادستان کل کشور- عبدالله جوادی آملی عضو شورای عالی قضایی



جبهه سوم



بیانیه جبهه سوم در برابر میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی

کشمکش که بین دول غرب و جمهوری اسلامی در جریان است میتواند از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری داشته باشد. تجربه تلخ عراق مصائب ناشی از تحریم اقتصادی و حمله نظامی را در برابر چشم همگان قرار داده است. سخت تر شدن شرایط زندگی و فلاکت اقتصادی، کشتار و خانه خرابی مردم، و گسترش سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی گوشه هائی از نتایج بلافصل تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی به ایران است. این سیاست در سطح منطقه نیز موجب افسار گسیختگی تروریسم اسلامی و در سطح بین المللی موجب گسترش ابعاد تروریسم خواهد شد.

باید با تمام قوا در مقابل قدری آمریکا و متحدینش ایستاد، باید به جنایات قطب مقابل یعنی تروریسم اسلامی پایان داد و به مردم کشورهای اسلامزده کمک کرد تا از شر دولتها و جریانات تروریست اسلامی رهائی یابند. میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی فضا را برای بشریت در سراسر جهان سیاه کرده اند. اینها هیچکدام راه حلی برای بحران حاضر و مسائلی که با خود مطرح کرده است ندارند، بلکه خود مسبب این بحران ها و تشدید و تعمیق آنها هستند. بشریت متمدن باید در مقابل هر دو قطب و مصائبی که به دنیا تحمیل کرده اند قد علم کند. راه حل انسانی و واقعی مساله سلاح های هسته ای و تروریسم اسلامی و جنایات غیرقابل توصیفش علیه مردم جهان و قلدرمنشی های میلیتاریستی آمریکا و دول غربی در دست ما مردم است.

در این میان مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی نقش برجسته و تعیین کننده ای ایفا میکند. در ایران سالهاست یک جنبش اجتماعی وسیع علیه حکومت اسلامی و برای رسیدن به آزادی و برابری در جریان است. پیروزی این جنبش بر جمهوری اسلامی یک ضربه تعیین کننده به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در سراسر جهان و همچنین پاسخ موثر و تعیین کننده ای به دخالتگرهای سیاسی؟ نظامی آمریکا برای تغییر حکومت و با صطلاح "صدور دموکراسی" و تحمیل حکومتهای دست ساز ارتجاعی به جوامع دیگر خواهد بود. پیروزی مردم ایران یک گام بلند بجلو و نقطه عطف مهمی در مقابله با تروریسم میلیتاریستی و اسلامی و در دفاع از آزادی و تمدن و حقوق جهانشمول همه انسانها در سراسر جهان خواهد بود.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم:

- 1- نه به جنگ، نه به تحریم اقتصادی. تحریم اقتصادی و حمله نظامی به ایران از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری خواهد داشت. آنچه در عراق اتفاق افتاد نباید در ایران تکرار شود. این تهدیدات باید فوراً متوقف شود.
 - 2- نه به میلیتاریسم آمریکا، نه به اسلام سیاسی. جهان متمدن در کشاکش میان تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی نمایندگی نمیشود. هر دو سوی این درگیری، ارتجاعی و ضد انسانی هستند و باید به عقب رانده شوند.
 - 3- خلع سلاح اتمی همه دولتها. نه ایران، نه آمریکا، و نه هیچ کشوری دیگری نباید سلاح اتمی داشته باشد. پروژه اتمی جمهوری اسلامی باید فوراً متوقف شود اما دولت‌هایی که خود بزرگترین زرادخانه اتمی را دارند مراجع نیصلاهی برای قضاوت در مورد قدرت اتمی دیگر کشورها نیستند. مقابله با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی امر مردم آزاده جهان و بویژه مردم ایران است. همانطور که خلع سلاح هسته ای همه کشورها و خلاصی از کابوس اتمی که جهان معاصر را فرا گرفته است امری است که تنها با اعتراض و مبارزه مردم جهان میتواند متحقق شود.
 - 4- تعرض به حقوق منی مردم در غرب به بهانه مقابله با تروریسم باید متوقف شود. دولت‌های غربی به بهانه خطر تروریسم و حفظ امنیت، حقوق و آزادیهای منی مردم را نفی و محدود میکنند. کنترل و تحت نظر قرار دادن زندگی خصوصی شهروندان، محدود کردن آزادی بیان، آزادی رفت و آمد و نفی حقوق مهاجرین از جمله رایج ترین تعرضات دولت‌ها به زندگی مردم است. باید با این تعرض مقابله کرد و آنرا خنثی نمود. هیچ دلیل و بهانه ای برای دست درازی به حقوق و آزادیهای مردم پذیرفتنی نیست.
 - 5- از مبارزات مردم ایران علیه حمله نظامی و علیه جمهوری اسلامی فعالانه حمایت میکنیم. مردم ایران که 27 سال است در مقابل سرکوب، خفقان، بیحقوقی زن، آپارتاید جنسی، سنگسار، اعدام و شکنجه زندانبان سیاسی و در مقابل تحمیل فقر و محرومیت اقتصادی مبارزه میکنند، خود میخواهند و میتوانند که سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. حمایت از مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی و پیروزی آن بر جمهوری اسلامی و برقراری حکومت مستقیم خود مردم گام تعیین کننده ای در مقابله با قلدر منشی آمریکا و ضربه قاطعی به تروریسم اسلامی در منطقه خاورمیانه و در جهان خواهد بود.
 - 6- جمهوری اسلامی باید از جامعه جهانی طرد شود. جمهوری اسلامی بدلیل 27 سال جنایت علیه بشریت، بدلیل سرکوب بیرحمته مبارزات حق طلبانه مردم ایران و اعدام بیش از صد هزار زندانی سیاسی، به دلیل حکم کردن آپارتاید جنسی در ایران، و بدلیل حمایت از جریانات تروریسم اسلامی در منطقه و گسترش تروریسم در سطح جهان باید مانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی از جامعه جهانی طرد شود. ما خواهان عدم برسمیت شناسی جمهوری اسلامی بعنوان نماینده مردم ایران، قطع روابط دیپلماتیک و بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه کشورها و اخراج آن از نهادهای بین المللی هستیم.
- ما همه سازمانها و نیروها و احزاب و شخصیت‌های استاندوست، سکولار، ضد جنگ و آزادیخواه جهان را به امضای این بیانیه و پیوستن به جبهه سوم برای مقابله با هر دو قطب تروریستی فرامیخوانیم.

بیانیه را امضا کنید

<http://farsi.thirdcamp.com/farsimanifest.php#ign>